

مدل مفهومی ارزیابی شاخص‌های فضای معماری بر مبنای تطبیق دیدگاه‌های غربی و ایرانی - اسلامی*



سجاد سلیمانزاده*

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرح حبیب**

استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ایرج اعتصام***

استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۱۶

چکیده:

فضا به عنوان مفهوم اساسی و جدایی‌ناپذیر از معماری، همواره با معانی و برداشت‌های متفاوت روبرو بوده و همین مسئله باعث دور شدن از معنای اصلی و فروکاسته شدن آن به ویژگی‌های کلی معمارانه گشته است. همچنین به دلیل آنکه این مفهوم معمارانه زبیده‌اندیشه مدرن و دوران معاصر بوده است؛ برداشت کلی معماران از شاخص‌های آن به صورت یک‌جانبه‌ای به مفاهیمی چون تهی، آزادی و حرکت سوق پیدا نموده؛ و بر همین اساس، در ارزیابی شاخص‌های مرتبط با این مفهوم نیز برداشت صحیح و کاملی صورت نگرفته است. از سوی دیگر، در معماری ایرانی-اسلامی نیز مفهوم فضا-به عنوان عنصر اصلی شکل‌دهنده بناها- بسیار بیشتر از جنبه‌های مادی و ملموس مورد توجه بوده؛ ولی به دلیل نبود چارچوب مشخص برای تبیین شاخص‌های عینی آن و یا تلقی مدرنیستی از شاخص‌ها، به درستی مورد تحلیل قرار نگرفته است. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، استخراج شاخص‌های اساسی مرتبط با مفهوم فضا، و بررسی روابط حاکم بر آنهاست که از طریق واکاوی هدفمند در تعاریف پایه، نظریات غربی و معاصر فضا و دیدگاه‌های فضایی معماری ایرانی-اسلامی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. پارادایم این تحقیق از نوع کیفی، و روش مورد استفاده در آن اسنادی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است. بدین سبب، از طریق تحلیل و تطبیق دیدگاه‌های شاخص و انتظام‌بخشی به ساختار موجود در شناخت فضا، سعی گردید تا شاخص‌های اساسی فضا از ویژگی‌های کلی و مفاهیم دیگر بازشناخته شده و چارچوبی مفهومی برای تحلیل آن‌ها در آثار معماری تدوین شود. در نهایت بر اساس مدل یاد شده، وضعیت کلی شاخص‌های فضا در معماری ایرانی-اسلامی و دوره‌های شاخص غربی مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج تحلیل‌های متعدد نشانگر آن است که فضای معماری با وجود پیچیدگی و گستردگی نظریات و رویکردهای حاصل از آن، شکل‌های معینی از روابط میان شاخص‌های دوگانه را در یک چارچوب طیف‌گونه نشان می‌دهد. این شاخص‌ها چه در سطح پایه (شاخص‌های بنیادی) و چه در مدل‌نهایی (بسط شاخص‌های پایه) با گرایش‌های متفاوت چون غلبه خصوصیات آزادکننده، غلبه خصوصیات محدودکننده و تعادل یا نوسان میان دوگانه‌ها ظاهر می‌گردند. در یک مقایسه کلی نیز می‌توان گفت شاخص‌های فضا در بستر معماری ایرانی-اسلامی، به شیوه‌ای متعادل، مبهم و یا رازآمیز ظاهر گردیده که از این نظر مشابهت‌هایی با تفکر فضایی غالب در دوران پست‌مدرن داشته؛ و همچنین از دوره‌های دیگر معماری غرب کاملاً متمایز می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فضای معماری، شاخص‌های فضا، نظریه پردازان غربی فضا، صاحب‌نظران معماری ایرانی-اسلامی.

*sajad.soleymanzadeh@gmail.com

** frh_habib@yahoo.com

*** i.ettasam@srbiau.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای سجاد سلیمانزاده با عنوان «تحلیل و ارزیابی شاخصه‌های فضا در معماری فرهنگی و مذهبی معاصر ایران» (تهران، ۱۳۸۰-۱۳۲۰) به راهنمایی خانم دکتر فرح حبیب و مشاوره آقای دکتر ایرج اعتصام است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در حال انجام است.

۱. مقدمه

در مواجهه با موضوع «فضای معماری» دو واقعیت اساسی روشن می‌گردد که تمامی پژوهش‌های مرتبط با آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مسئله نخست، اهمیت غیرقابل انکار مفهوم بنیادی «فضا» در معماری است که به عنوان عنصر اصلی متمایزکننده معماری از هنرهای دیگر و نیز عامل تشخیص «معماری» از «نامعماری» شناخته شده است (زوی ۱۳۸۷، ۱۷ و ۲۰). بر همین اساس، فضا از نظر بسیاری از اندیشمندان غربی به عنوان ابزار شایسته معماری و همچنین جوهر ناب و غیرقابل تقلیل آن تلقی گردیده است (سائوچلی^۱ ۲۰۱۲، ۵۳؛ فورتی^۲ ۲۰۰۰، ۲۵۶). از سوی دیگر اهمیت پرداختن به جوانب مختلف این مفهوم در بستر معماری ایرانی-اسلامی، با توجه به تأکید اساسی بر بخش «ناملموس» و «غیرمادی» در آثار معماری سنتی ایران و نقش کلیدی فضاهای خالی در آن (نصر^۳ ۱۹۸۷؛ اردلان ۱۳۷۹؛ حائری ۱۳۸۸) بیش از معماری ماده‌گرای تاریخی غرب احساس می‌شود. اما مسئله دوم، توافق اندک صاحب‌نظران در معنای انگاره فضا است که تنوع عظیمی در بروز دیدگاه‌ها پدید آورده و منجر به پیچیدگی و غیردقیق شدن نظریات این حوزه گردیده است (فورتی ۲۰۰۰؛ فلاحت و شهیدی ۱۳۹۴، ۲۸-۲۹). گذشته از این، مسئله شناخت معماری از دریچه فضا همواره با اعمال جهت‌گیری‌های شخصی و نیز تأثیر شدید تفکرات مدرنیستی (بستر خلق انگاره فضا) و یا پست‌مدرنیستی (بستر نقد انگاره فضا) مواجه بوده است.

بررسی پیشینه موضوع فضای معماری نشان‌دهنده گستردگی نظریه‌ها و پژوهش‌های غربی در این زمینه است. در حوزه نظریه‌پردازی فضای معمارانه می‌توان به نوشته‌های اثرگذار «گیدین» (۱۳۹۱) «زوی» (۱۳۸۷) و «نوبرگ- شولتز» (۱۳۸۸؛ ۱۳۹۳) اشاره نمود. گیدین به عنوان مورخ هنری به بررسی منشأ تغییرات فضایی عصر جدید در بستر جریان‌های هنری پرداخته است. استدلال اصلی او در تدوین ویژگی‌های فضایی دوران معاصر، اشاره به خلأهایی است که در نتیجه عدم توجه به نقش هنر و هنرمندان در تمام ابعاد زندگی و توانایی‌های آن‌ها در ایجاد

احساس‌های نواز جهان به وجود آمده است. او با بهره‌گیری از اندیشه‌های هنر جدید- به ویژه تحولات کوبیسم در تصورات فضایی- عنصر «زمان» و «حرکت»، و «ارتباط درون و بیرون» را به عنوان مهم‌ترین مقولات مرتبط با فضای معمارانه مطرح ساخته است. زوی بر خلاف گیدین به دنبال متمایز ساختن معماری از سایر هنرهاست و در این راه از عنصر فضا- که امکان تجربه واقعی اثر معماری را فراهم می‌کند- بهره می‌گیرد. با این وجود، او نیز همانند گیدین مفاهیم زمان و حرکت، و نیز حضور فیزیکی مخاطب در فضای داخلی را به عنوان موضوعات اصلی مورد توجه قرار داده است (زوی ۱۳۸۷؛ زوی^۴ ۱۹۷۸). اما نوبرگ- شولتز (۱۳۸۸؛ ۱۳۹۳) با نقد نظریات مدرنیستی فضا، ابعاد جدیدی از خصوصیات فضای معمارانه را مطرح نموده است. او با توجه به وجوه کیفی معماری، تلقی رایج از فضا را به مفاهیم کیفی «فضای وجودی» و «مکان» سوق داده است. به همین دلیل با طرح ساختارهای روانی فضای وجودی و ویژگی‌های ابتدایی آن، خصوصیات فضای معمارانه از انحصار خصلت‌های «آزادکننده» خارج شده و در آن بر مفاهیمی چون «محسوریت»، «امنیت»، «قلمرو»، «مرز» و غیره تأکید شده است. اما بخش دیگری از پیشینه بحث فضا شامل پژوهش‌های صاحب‌نظران معاصر است که در تحلیل‌های خود به تشریح موضوع فضا و نقش آن در عرصه معماری پرداخته‌اند. مطالعات «آدریان فورتی» (فورتی ۲۰۰۰)، «هرمان هرتزبرگر» (هرتزبرگر ۲۰۰۰)، «یورگ کورت گروتز» (۱۳۸۶)، و «پیر فون مایس» (۱۳۸۴) از این قبیل پژوهش‌هاست که با جمع‌بندی از دیدگاه‌های فضایی موجود و بررسی عینی آثار معماری، به ارائه دیدگاهی متعادل در شاخص‌های فضا انجامیده است.

سوابق پژوهش‌های فضای معماری در ایران نشان می‌دهد این مقوله نسبت به سایر مفاهیم پرکاربرد چون «مکان»، «فرم»، «هندسه و تناسب» و غیره کمتر مورد توجه بوده است. از جمله مطالعات تحلیلی انجام‌شده می‌توان به نوشته‌های «نقره‌کار» (۱۳۸۹، ۱۳۹۳) و «نقره‌کار، حمزه‌نژاد و رنجبرکرمانی» (۱۳۸۷) اشاره نمود. در این



اهداف پژوهش

۱. تطبیق مفهوم فضا از نظر لغوی، فلسفی، تاریخی و بررسی آن در نظریات غربی و بستر معماری ایرانی-اسلامی؛ ۲. استخراج و تدوین شاخص‌ها بر اساس تطبیق مفاهیم فضا و ارائه مدلی برای بررسی نحوه رابطه و وضعیت شاخص‌های فضا در کالبد معماری؛ ۳. سنجش کلی شاخص‌های فضا در معماری ایرانی-اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با دوره‌های تاریخی برجسته در معماری غربی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کلی به صورت کیفی، و بر پایه استدلال منطقی است. بر مبنای پارادایم دوگانه تحقیق، سامانه کیفی به صورت کل‌نگر، مستقل از مستندات عددی و متکی به بیان گفتاری و نوشتاری است و محقق در تعامل با موضوع تحقیق عمل می‌کند (گروت و وانگ ۱۳۸۴، ۲۵-۲۶). این نوع تحقیق بیشتر در قالب توصیف، تبیین و تفسیر تعریف می‌گردد (حیدری ۱۳۹۴، ۱۹۱ و ۲۱۴). روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، بر مبنای روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده و در سه مرحله دنبال می‌شود. در مرحله نخست، خصوصیات برآمده از مفهوم عام فضا از دیدگاه لغوی و فلسفی مورد بررسی قرار گرفته و با تعاریف معمارانه مقایسه می‌گردد؛ به منظور تدوین ساختار اولیه برای استخراج شاخص‌ها، روند اساسی تحولات کالبدی فضا در تاریخ معماری غرب نیز تحلیل می‌شود. در مرحله دوم، رابطه دقیق میان شاخص‌های فضای معماری و نحوه بروز آن‌ها از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی به شیوه توصیفی-تحلیلی دسته‌بندی می‌گردد. در گام سوم، بر مبنای تحلیل دیدگاه صاحب‌نظران هنر و معماری ایرانی-اسلامی، وضعیت ظهور شاخص‌های فضا در بستر معماری سنتی ایران نیز مورد تحلیل قرار گرفته؛ و در نهایت مدل تطبیقی شاخص‌های فضا و مقایسه کلی دوره‌ها و اندیشه‌های معماری غربی و ایرانی-اسلامی تدوین می‌گردد.

۲. چارچوب نظری

۱-۲. تحلیل فضا از منظر لغوی، فلسفی و معمارانه «فضا» در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷) و نیز فرهنگ معین (۱۳۸۱) در معانی مختلفی چون میدان، عرصه، جای وسیع

منابع با پیروی از اصول انسان‌شناسی دیدگاه اسلامی و تعریف ساحت‌های آفاقی و انفسی رویکردهای کمی و علمی در تحلیل فضای معمارانه مورد نقد قرار گرفته و در آن بر لزوم توجه به انسان و نیازهای چندگانه او در فضا تأکید شده است. بر همین اساس، دیدگاه‌های «تکاملی» و «پیشرفت‌گرایانه» نظریه‌پردازانی چون گیدون و گروت در تحلیل تاریخ فضا مورد انتقاد قرار گرفته و معیار اصلی تفکیک فضاهای معماری، پاسخگویی آن‌ها به نیازهای آفاقی و انفسی ذکر شده است. در بخش دیگری از پژوهش‌های مرتبط با فضا در ایران، این مفهوم به صورت ریشه‌ای مورد بررسی قرار گرفته که می‌توان گفت غالباً بازگویی نظریات غربی فضا و یا ذکر تاریخچه تحولات آن از زمان پیدایش بوده است. این قبیل پژوهش‌ها به دلیل عدم اتخاذ راه‌کار معین برای همگرایی نظرات و نیز پرداخت همزمان به رویکردهای متعارض، به ارائه چارچوبی برای شناخت و تمییز شاخص‌های فضایی منتهی نشده است. نکته مشترک در اغلب این پژوهش‌ها، تعمق در حوزه‌های فلسفی، اجتماعی، روانی و معناگرایانه فضاست که در نتیجه، موجب مغفول ماندن جنبه‌های عینی فضای معماری شده است. در این مطالعات اعتقاد بر آن است که انگاره فضا به عنوان مفهومی عام، حوزه‌ای متغیر و بی‌ثبات داشته است؛ و بر مبنای همین استدلال، در حوزه معماری نیز این عنصر قابل شناخت و ارائه الگوی معین نیست. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با نگاهی تحلیلی-تطبیقی و به صورت هدفمند، به بررسی ابعاد مختلف شناخت فضای معماری از دید تعاریف واژگانی، فلسفی، تاریخی و نظریات معمارانه پرداخته؛ و به همگرایی لازم در آن برای ارائه تصویری روشن از شاخص‌های فضای معماری دست یابد. در این پژوهش، فرض بر آنست که با وجود ابهامات و تعارضات موجود در مسئله فضا، بتوان از طریق تفکیک دوگانه شاخص‌های فضا و بسط آن‌ها بر اساس نظریات غربی، و نیز بررسی وضعیت شاخص‌های دوگانه در معماری ایرانی-اسلامی، به همگرایی لازم دست یافته و مدل مشخصی برای ارزیابی شاخص‌ها از دیدگاه کالبدی ارائه نمود.





است و محدوده آن با حجمی که در خود جای می‌دهد تطابق دارد. فضا از نظر او مجموعه‌ای از تمام مکان‌ها (توپوس^{۱۲}ها) است که دارای جهات و اعراض کیفی بوده و تمام اشیا را در بر دارد (ارسطو ۱۳۷۸؛ نوربرگ-شولتز ۱۳۹۳، ۸؛ گروتز ۱۳۸۶، ۱۸۷). نظریات مطلق‌گرایی فضا بعدها توسط اندیشمندانی چون «لایبنیتس^{۱۳}» مورد نقد قرار گرفت (مدنی‌پور ۱۳۷۹، ۶)؛ و در نتیجه با رد ماهیت مستقل و تغییرناپذیر آن، فضا به چیزی برآمده از «اشیاء»، «روابط» و «نظامات» میان آن‌ها بدل گردید. بر مبنای این موضع رابطه‌ای می‌توان فضا را به صورت منظومه‌ای معین از اشیای مصنوع و طبیعی، و فضای خالی میان آن‌ها در نظر گرفت که در ذهن پدیدآورنده، کاربر و ناظرش دستگاه فضایی خاص خود را پدید می‌آورد (آرنه‌ایم ۱۳۹۲، ۲۲). اما نکته قابل توجه در مقایسه دیدگاه‌های فلسفی فضا، تفاوتی است که در تلقی از رابطه میان عناصر دوگانه (توده‌ها و فضاهای خالی) مشاهده می‌شود. در دیدگاه مطلق‌گرا، فضا و اشیا به صورت دو چیز کاملاً مستقل از هم اندیشیده شده (عناصر دوگانه مجزا)؛ و از این رو، فضای خالی میان توده‌ها همچون یک خلأ محض تصور می‌گردد که تنها بر وجود و تمایز آن از اشیا تأکید شده و کیفیت آن در ارتباط با توده‌ها مدنظر نیست (تمرکز بر اشیا و صفات مادی). اما در دیدگاه رابطه‌ای، توده‌ها و فضاهای میانی به صورت همزمان، یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند (عناصر دوگانه پیوسته) و از این رو فضای مابین، خلأ محض نیست و کیفیت آن در ارتباط با توده‌ها تغییر می‌یابد (تمرکز همزمان بر کیفیات مادی و غیرمادی).

مفهوم فضا در میان فیلسوفان معاصر نیز بسیار مورد توجه بوده است. از جمله دیدگاه‌های الهام‌بخش درباره ماهیت فضا که در آن خصلت دوگانه فضا نیز مورد توجه بوده، می‌توان به نظرات «مارتین هایدگر^{۱۴}» اشاره نمود که در تشریح عمیق مسئله ساختن، سکونت و اندیشیدن بیان شده است. از نظر هایدگر فضا (Rum, Raum) محلی است که برای سکونت و زیستن، خالی و آزاد شده است؛ جایی که برای چیزی باز شده و به ویژه در درون یک کرانه و مرز واقع شده است. این مرز همانند تلقی یونانی‌اش چیزی

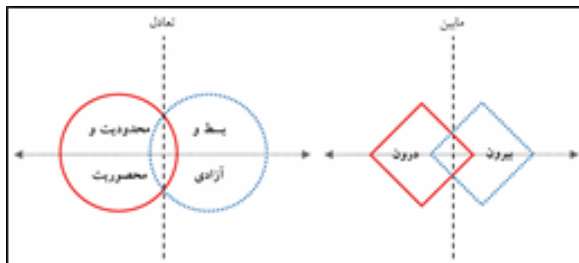
و به طور کلی «مکان»، جای تهی، آسمان، زمین فراخ، صحن و ساحت آمده که در کل بر «آزادی»، «خالی بودن» و یک «جا یا مکان» تأکید دارد. واژه انگلیسی «space»، به معنی فضا، تغییر یافته از کلمه فرانسوی قدیمی «espace» است که آن نیز از کلمه لاتین «spatium» برگرفته شده (پاتریسیوس^{۱۵} ۱۹۷۳، ۳۱۱)؛ و به معنای «گستره آزاد، خالی و قابل دسترس»، «فاصله میان نقاط و اشیا»، «ابعادی که تمام چیزها در آن وجود دارند و حرکت می‌کنند»، «جهان پیرامون جو زمین» و غیره بوده است (دیکشنری انگلیسی آکسفورد^{۱۶} ۱۹۸۹). اما آدریان فورتی معتقد است فضا به عنوان یک لغت رایج در معماری، از طریق زبان آلمانی، و تنها پس از دهه ۱۸۹۰ م. وارد شده، و واژه آلمانی فضا (Raum) نیز همزمان هم بر «محسوسیت مادی» و هم بر مفهوم فلسفی و زیباشناختی آن دلالت داشته است^{۱۷} (فورتی ۲۰۰۰، ۲۵۶). بنابراین در کل می‌توان گفت فضا با وجود آنکه در معنای عمومی، بیشتر بر «گشودگی» و «خالی از ماده بودن» تأکید داشته، اما به عنوان یک واژه معمارانه با منشأ آلمانی، با مفاهیم متضاد «محفوظ و محصور بودن» (جدایی درون و بیرون) نیز مرتبط بوده؛ و از این رو از نظر لغوی می‌توان خصلت دوگانه برای آن متصور بود.

در برداشت‌های فلسفی صورت گرفته از فضا به عنوان یک مفهوم عام، اغلب دو نوع تفکر شاخص قابل شناخت است که در آن «نظریه‌های مطلق» فضا در برابر «نظریه‌های رابطه‌ای» قرار می‌گیرد (مدنی‌پور ۱۳۷۹، ۵؛ آرنه‌ایم ۱۳۹۲، ۱۷-۱۹؛ پرتوی ۱۳۸۷، ۸۷). در دیدگاه مطلق، فضا وجودی مستقل، قائم به ذات، محدود یا نامحدود، و تهی است که می‌تواند از اجسام پُر شود. بر این اساس، «افلاطون» در رساله «تیمائوس^{۱۸}» فضا را به عنوان هستی ثابت و تزلزل‌ناپذیر که به هیچ روی ماهیت‌اش تغییر نمی‌یابد؛ معرفی می‌کند. از نظر او فضا ظرفی است که تمام چیزهای مرئی و قابل ادراک را در بر می‌گیرد؛ و حتی اگر چنین اشیایی نیز وجود نداشته باشند، فضا همچون ظرف تهی و بی‌مرز وجود دارد (افلاطون ۱۳۸۰، ج. ۳؛ آرنه‌ایم ۱۳۹۲، ۱۷). «ارسطو» نیز فضا را ظرفی خالی با پیرامونی بسته می‌پندارد (خائوس^{۱۹}) که همواره نهایی برای آن مفروض





حاصل می‌شود؛ به عنوان کیفیت‌های شاخص هر مکان معرفی می‌کند. اما هرگز برگر معتقد است فضا را نمی‌توان تعریف نمود؛ بلکه بیشتر می‌توان آن را «توصیف» کرد. وی فضای معماری را گونه‌ای از «درون» با «عمق و پرسپکتیو» توصیف می‌کند که به مخاطب «آزادی دید» و نیز «منظری از آزادی» می‌دهد. فضا گرچه اثری آزادکننده دارد؛ با این حال «آزادی محض» نیست (هرتزرگر ۲۰۰۰، ۱۴-۱۶). بنابراین در تعاریف معمارانه نیز می‌توان طیفی از خصوصیت‌های دوگانه را برای فضای معماری متصور بود: «آزادکننده-محدود»، «محصورکننده-گسترده»، و «تأکید بر سرشت درونی-متداوم بین درون و بیرون».

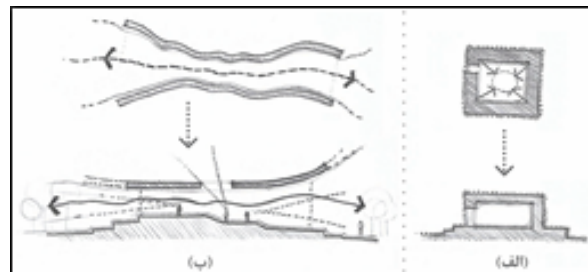


نمودار ۱. چالش میان خصوصیات دوگانه فضای معماری بر مبنای تعاریف لغوی، فلسفی و معمارانه (مأخذ: نگارندگان)

از وضعیت شاخص‌های فضا). اما در دوران مدرن، فضای معماری به حد نهایی آزادی و جنبش خود دست یافته و شاخص‌های آزادکننده در آن غلبه می‌یابند (حصول مفهوم حقیقی فضا). در دیدگاه دوم، مسیر تحولات تاریخی فضا به صورت نوسانی و متغیر بوده (عدم تکامل در جهت سیالیت‌بخشی به فضا)؛ و همواره درجاتی از دوگانگی بر شاخص‌های فضای معماری حکم‌فرماست. این دیدگاه را می‌توان در تحلیل‌های نوربرگ-شولتز از دوره‌های تاریخی معماری غرب مشاهده نمود: در شروع تحلیل‌ها «فضای معماری مصر» با خصوصیتی چون «توده‌گرا» و «مسدود» توصیف می‌گردد. در نهایت این تحلیل‌ها به توصیف «فضای گشوده‌ی پیوسته» در عصر روشنگری، و «فضای گشوده‌ی پرداخت‌شده» در دوره کارکردمداری، و نیز «فضای گشوده‌ی اندام‌وار» در عصر کثرت‌مداری ختم

را متوقف نمی‌کند، بلکه چیزها در آن حضور خود را آغاز می‌کنند (هایدگر ۲۰۰۱، ۳-۱۵۱).

در میان صاحب‌نظران معماری توصیفات مختلفی از فضای معمارانه ارائه شده است که می‌توان در آن‌ها توجه همزمان به بخشی از جنبه‌های متضاد را مشاهده نمود: نوربرگ-شولتز (۱۳۸۸، ۱۳۹۳) فضا را محلی برای کنش‌های انسانی می‌داند و معتقد است فضا در جایی که زندگی وقوع می‌یابد به معنای حقیقی کلمه «مکان» است. او مفاهیم متضاد «محصوریت» (قرارگاه، مرز یافتن و مرکزیت‌بخشی) و «گشودگی» (چشم‌انداز، ارتباط و طول‌مندی) را که از رابطه‌ی بنیادی درون و بیرون

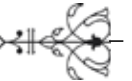


تصویر ۱. تجسم خصوصیات دوگانه فضا بر مبنای تعاریف: الف) فضا به مثابه طرفه، بسته، محصور، حرکت‌ناپذیر، حضور غیرفعال انسان؛ ب) فضای متداوم، آزاد و گشوده، حرکت‌پذیر، حضور فعالانه انسان (مأخذ: نگارندگان)

۲-۲. تحول تاریخی خصوصیات دوگانه فضای معماری

دوگانگی شاخص‌های فضا علاوه بر آنکه در تعاریف پایه آشکار است؛ در بررسی تحولات تاریخی فضای معماری غرب نیز کاملاً به چشم می‌خورد. در زمینه تحلیل تاریخی فضای معماری غربی دو دیدگاه معین قابل شناخت است: در دیدگاه نخست، تاریخ فضای معماری دارای مسیری خطی و با مبدأ (دوران باستان) و مقصد (دوره مدرن) مشخص و از پیش تعیین‌شده است. تحلیل‌های تاریخی زوی (۱۳۸۷) از فضای معماری غرب منعکس‌کننده این دیدگاه تکاملی است. در این نوع تحلیل، فضای معماری در آغاز به صورت تندیس‌گون، ساکن و کاملاً محدود توصیف شده؛ و در دوران میانی بر وجود تعادل اندک میان شاخص‌های آزادکننده و محدودکننده تأکید می‌شود (انتقاد





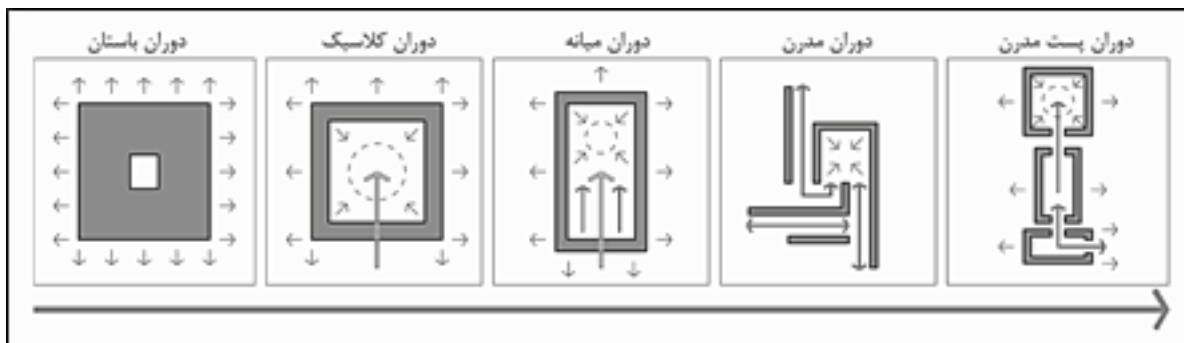
می‌توان گفت شکل کلی فضای معماری در تمام دوره‌ها از جدال میان خصوصیات دوگانه و متضاد به وجود آمده و در نتیجه روندی «متغیر» و «نوسانی» در مسیر تحولات فضا رقم زده شده است. چنانچه با بررسی شکل کلی فضا در دو دوره «مدرن» و «پست‌مدرن» (نمودار ۲)، می‌توان تغییرات محسوسی را در میزان آزادی، سیالیت فضایی و نیز یکپارچگی درون و بیرون در دوره پست‌مدرن مشاهده نمود (کاهش نسبی خصوصیات آزادکننده و ماده‌زدایانه در دوره پست‌مدرن و تلاش برای برقراری تعادل نسبی در دوگانه‌ها با تأکید بر خصوصیات محدودکننده و ماده‌گرایانه).

می‌شود (چالش پیوسته شاخص‌های دوگانه) (نوربرگ- شولتس ۱۳۸۹). تفاوت بارز در این دیدگاه، عدم تعریف روند ثابت افزایش خصوصیات آزادکننده برای تاریخ فضای معماری است؛ و بر همین اساس در دوره پست‌مدرن با بازگشت به خصیصه‌های محدودکننده، بار دیگر بر شاخصه‌هایی چون «محسوریت»، «سکون»، «ایهام» و «بیان نمادین و مجسم» و غیره تأکید می‌شود. در جدول ۱ نحوه ظهور نوسانی خصوصیات دوگانه فضا در دوره‌های مختلف معماری غرب به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به نکات مورد اشاره در این جدول و نیز تجسم تصویری تحولات اساسی فضا در نمودار ۲

جدول ۱. بررسی تحولات تاریخی خصوصیات دوگانه فضای معماری در غرب (مأخذ: نگارندگان بر اساس: نوربرگ- شولتس ۱۳۸۹؛ زوی ۱۳۸۷؛ گروتز ۱۳۸۶؛ گیدیون ۱۳۹۱)

تشریح خصوصیات فضایی	دوره‌های تاریخی غرب	نقشی و ویژگی‌های «آزادکننده» فضایی**
نمادین، تندیس‌گون، بدون فضای داخلی قابل توجه، فضای کاملاً محدود و متقاطع	بین‌النهرین و مصر	
فضای مجسمه‌ای و دارای خصوصیت پلاستیک، فضای خالی فاقد اندیشه خلاق، فضای بسته داخلی، تأکید فرمالیستی بر فضای حول بنا، تأکید بر ارزش‌های «مادی- هنری»	یونان	
آگاهی اولیه از هنر فضا، ظهور فضای داخلی همچون محفظه میان‌تهی، فضاهای «پوشیده» به جای فضاهای «بسته»، عظمت‌طلبی در فضاها، صحنه‌آرایی، استقلال مطلق فضای داخل و خارج	روم	
توجه به «حرکت انسان» در فضا، انسانی، حرکت هدایت‌کننده انسانی در محور طولی	مسیحیت	
ایجاد شتاب در حرکت، انبساط فضایی، وسعت سطوح روشنی در فضا، خیال‌انگیزی و تعلیق	روم شرقی و غربی	
فضاکرایی کاملاً انسانی، افزایش نقش فضای خالی، حرکت «آهنگین»، خصوصیت «محافظت»	رومانسک	
کاهش شدید جرمی، نفی دیوارها، «تداوم فضایی نسبی»، شفافیت مادی اولیه، هدایت بصری در جهات دوگانه، فضای مداوم و بی‌نهایت ذهنی (فضاکرایی روحانی و القای حس معنوی)	گوتیک	
فضای انسانی هندسی، بازگشت به ترکیبات پلاستیک، جدایی کهن فضای داخلی و خارجی، گرایش به سکون	قرن پانزدهم و رنسانس	
ماده‌گرایی کاذب و دروغین، تنش و «ایهام» در فضا، تأکید بر شکل و فرم دوبعدی به جای فضا	مدرنیسم	
«آزادی فضایی ذهنی»، آزادی معماری از سکون و تضاد داخل و خارج، گرایش به «تحرک بصری» به جای حرکت، ایهام فضایی، عدم تداوم بصری کامل درون و بیرون	باروک	
عدم توفیق در فضای داخلی (ارزیابی منفی فضای داخلی)، گرایش به تحول فضای خارجی	نئوکلاسیسیسم	
«پلان آزاد»، فضای کشوده، غلبه تهی بر توده، «ارتباط مطلق» داخل و خارج، آزادی مطلق در فضای داخلی، نقاط دید متعدد، «تحرک و جنبش»، سیالیت فضایی و شفافیت مادی حداکثری	اواخر قرن نوزدهم و دوران مدرنیسم	
بازگشت به بیان نمادین و خصوصیات مادی، تعدیل ویژگی‌های آزادکننده فضایی (محسوریت)، ایهام و لایه‌لایه شدن فضا، سکون در کنار تحرک فضایی، نور معنوی در کنار روشنایی مادی	مدرنیسم متأخر و پست مدرنیسم	
** پر رنگ یا کم‌رنگ شدن خانه‌ها، به ترتیب به معنای افزایش یا کاهش نسبی «خصوصیات آزادکننده فضایی» در هر دوره تاریخی است.		





نمودار ۲. تحولات فضای معماری غرب از دوران آغازین تا پست‌مدرن،

در این نمودار، چالش پیوسته‌ی دوگانه‌هایی چون «ماده-تهی»، «درون-بیرون» و «محدودیت-آزادی» در دوره‌های شاخص معماری غرب نشان داده شده است. با بررسی شکل کلی فضا در دو دوره اخیر مدرن و پست‌مدرن، می‌توان پرخش تاریخی آن را از یک جریان سیال و پیوسته و بدون مرز، میان «حوزه‌های مختلف درونی» و مابین درون و بیرون در دوره مدرن، به فضایی با حوزه‌های درونی «نسبتاً تفکیک‌یافته» همراه با تعریف حد و مرز معین میان درون و بیرون در دوره پست‌مدرن مشاهده نمود (مأخذ: نگارندگان بر اساس جمع‌بندی از: گروتز ۱۳۸۶؛ نوربرگ-شولتس ۱۳۸۹؛ زوی ۱۳۸۷)

۳. شناخت و تحلیل شاخص‌های فضای معماری

فضای معماری با وجود چندوجهی بودن، و نیز اذعان همگان به پیچیدگی و تعارضات بنیادی در شناخت دقیق آن (مستغنی ۱۳۸۴؛ فلاحت و شهیدی ۱۳۹۴، ۲۸) از نظر معنایی و تاریخی واجد خصوصیات متضاد و دوگانه‌ای است که مسیر شناخت شاخص‌های آن را هموار می‌سازد. از این رو برای دستیابی به مدل جامعی که دربرگیرنده شاخص‌های فضای معماری باشد؛ دیدگاه‌های مختلف غربی و ایرانی-اسلامی - که در آن به شناخت شاخص‌های فضای معماری پرداخته شده بود- به روش توصیفی-تحلیلی جمع‌بندی گردید و با چارچوب دوگانه بدست آمده تطبیق داده شد.

۱-۳. بررسی شاخص‌های فضا در دیدگاه‌های غربی

همانگونه که قبل‌تر نیز اشاره شد؛ انگاره فضا در عرصه معماری عمر بسیار کوتاهی داشته و اغلب دیدگاه‌های شاخص آن در دوران معاصر شکل گرفته‌اند و طبعاً در این زمینه تحت تأثیر دو جنبش «مدرن» و «پست‌مدرن» بوده‌اند. سه نوع دیدگاه غالب در توصیف شاخص‌های فضای معماری غربی دیده می‌شود که به طور خلاصه تشریح می‌گردند.

الف) دیدگاه نخست: مطابق این دیدگاه، انگاره فضا برآمده از اقتضائات فرهنگی تفکرات مدرن بوده و تنها در این دوران است که با افزوده شدن بُعد «زمان»، فضا به عنوان «محتوای درونی» معماری، به ارزش و مفهوم واقعی خود دست یافته است.

بنابراین شاخص‌های فضا در این تفکر کاملاً مبتنی بر شعارهای مدرنیستی است. همچنین بر اساس این دیدگاه، معماری به مثابه «هنر فضا» تلقی می‌شود (سائوچلی ۲۰۱۲، ۵۴-۵۵)؛ که مسیر تکاملی خود را پیموده و همواره در پی «ماده‌زایی» و افزودن به نقش فضاهای خالی بوده است (عدم توجه به کیفیات مادی). از این رو می‌توان گفت در دیدگاه نخست خصوصیتی چون «آزادی مطلق فضا»، «آشکارسازی»^{۱۶}، «بسط دائم» و «ارتباط بصری-حرکتی حداکثری» مورد توجه قرار می‌گیرد. تفکرات «برونو زوی» به چند دلیل تطابق بسیاری با این دیدگاه دارد؛ دلیل اول، تدوین اصول ضد کلاسیک چون «ضد تقارن»، «ضد پرسپکتیو»، «تجزیه چهاربعدی» و غیره برای زبان معماری مدرن است که هدف نهایی آن آزادی فضایی حداکثری است (زوی ۱۹۷۸). همچنین او در ششمین اصل خود در زبان معماری مدرن (فضا در زمان) خواستار افزوده شدن عنصر زمان در قالب حرکت و پویایی شده است (زوی ۱۹۷۸، ۴۷-۵۰). دلیل مهم دیگر، نگرش تکاملی او نسبت به فضای معماری است. زوی نیز با پیروی از اندیشه‌های «گیدین» در تفسیر تاریخ معماری-به مثابه سه انگاره فضایی^{۱۷}- (گیدین ۱۹۷۱) معتقد است فضا در یک روند روبه‌رشد، از یک حالت تندیس‌گون و ماده‌گرا در گذشته به شیوه‌ای پویا و فضاگرا در دوران مدرن ارتقا یافته است. به همین دلیل، او در قیاس یک بنا با «جعبه محصورکننده»، همواره بر نقش فرعی «رُویه پیرامونی» (ماده) و نقش اصلی «محتوای





درونی» (بخش ناملوس) تأکید نموده است (زوی ۱۳۸۷، ۲۰-۳۲).

ب) دیدگاه دوم: شروع این دیدگاه انتقادی با نظریات «رابرت وونتوری» بود که با نقد آزادی بی‌حد و حصر فضایی، جسورانه‌ترین پیام معماری مدرن - فضای روان - را مورد تردید قرار داده و احیای سنت قدیمی «فضای بسته و متضاد داخلی» را خواستار شد. در حقیقت او هدف اصلی فضاهای داخلی را ایجاد «حصار» و «تمایز درون از بیرون» می‌دانست (نقل در نوربرگ - شولتز ۱۳۹۳، ۸۲)؛ و به همین دلیل با ارتقای ایده سنتی فضای بسته به مفهوم پیچیده‌تر «فضا در فضا» و «فضاهای چندلایه»، بار دیگر ویژگی «محفوظ بودن» فضا را مورد تأکید قرار داد (ونتوری ۱۳۸۹، ۱۱۳-۱۱۴). انتقاد دیگر وی از مدرنیسم این بود که به بهانه منحصربه‌فرد ساختن معماری از طریق ایده فضا، آن را از هنرهای غنی دیگر چون نقاشی، مجسمه‌سازی و ادبیات دور نموده است؛ به همین دلیل او با انتقاد از تفکر «معماری به مثابه فضا»، بهره‌گیری از سنت نمادشناسی (توجه به کیفیات مادی) را جهت تلفیق معماری با هنرهای دیگر توصیه نمود (ونتوری، اسکات براون، و آیزنور ۱۹۷۷، ۶-۹). دیدگاه دوم در نظریات «نوربرگ - شولتز» نیز منعکس شده است. او ضمن آگاهی عمیق از ویژگی‌های دوگانه (بسته بودن - گستردگی) در ساختار فضا-مکان که همواره تنش نیروهای «مرکزگرا» و «مرکزگریز» را به دنبال دارد، تأکید اصلی خود را بر خصوصیتی معطوف نمود که «باشیدن»، «گردهم‌آوردن» و در نتیجه «تعلق به مکان» را تشدید می‌سازند. بنابراین با انتقاد از تعبیر نامناسب مدرنیسم از آزادی که به از دست رفتن مکان‌ها و «اندرونی‌های حقیقی» منجر شده؛ کیفیاتی چون «در درون بودن»، «محصوریت»، «مرکزیت»، «مرز روشن درون و بیرون» در درجه نخست اهمیت قرار گرفتند^{۲۲} (نوربرگ - شولتز ۱۳۸۸، ۲۷۱-۲۸۰؛ ۱۳۹۳، ۲۱-۲۷). او با وجود آنکه بر خصوصیت «تداوم» در ساختار فضای وجودی و معمارانه معترف بود^{۲۳}؛ با این حال اعتقاد داشت در معماری جدید، فضای ایده‌آل معماران مدرن (فضای شناور، و آزاد از تضاد درون و بیرون) به مکان‌هایی با «حدود مشخص» تغییر یافته است (نوربرگ - شولتز ۱۳۹۳؛ نوربرگ - شولتز ۱۳۸۹). در نهایت می‌توان گفت این دیدگاه‌های پدیدارشناختی، با روایت جدید از آزادی در پی ارتقای مفهوم فضا به «مکان» و

القای حس سکونت و «سکناگرینی» بوده (پرتوی ۱۳۸۷، ۹۳-۹۵)؛ و بار دیگر بر ویژگی‌های «نمادین» (مادی)، «درونی شدن»، «محفوظ بودن» و «ابهام» تأکید نموده‌اند.

ج) دیدگاه سوم: در این تفکر بدون گرایش به یک سوز دوگانه‌ها، به استخراج خصوصیات بنیادی فضا پرداخته شده است. «زیگفرید گیدیون» از اولین پایه‌گذاران این دیدگاه متعادل، با تمجید از تقریب معماری جدید (دهه ۱۹۶۰ م.) به «مجسمه‌سازی» و توجه به «تأثیر حجم در فضا»، برقراری توازن در شاخص‌های فضایی را خواستار شده است. از نظر او روابط احجام و شاخص‌های مادی باید در کنار تفکرات فضاگرایانه قبلی مورد تأکید قرار گیرد (گیدیون ۱۳۹۱، ۱۴-۱۸). این تلقی متعادل یا عدم جهت‌گیری در تبیین شاخص‌های فضا، در دیدگاه‌های صاحب‌نظران متأخر چون «آدریان فورتی»، «یورگ کورت گروتز»، «هرمان هرتربرگر» و «پیر فون مایس» نیز دیده می‌شود:

«فورتی» با بررسی منشأ «آلمانی» اندیشه فضا، دو تفکر اولیه غالب را در برداشت از فضای معماری ذکر نموده است. دیدگاه نخست، بنیاد غیرفلسفی داشته و بر مبنای «هدفمند بودن» معماری، «محصور کردن فضا» را مهم‌ترین وجه آن می‌شمارد^{۲۴}. نظریه دوم بنیاد فلسفی و زیبایی‌شناختی داشته؛ و در آن توجه به انسان و رابطه او با شیء هنری - معمارانه، «احساس بدنی - عضلانی^{۲۵}» و «لذت زیبایی‌شناختی» انسان در فضا مهم تلقی شده است^{۲۶}. فورتی با بررسی گسترده‌تر هر دو دیدگاه، ویژگی‌های مختلفی را برمی‌شمارد که به صورت دوگانه از هم تمیز داده می‌شود: ۱. محصوریت کالبدی که هدف عمده در آن تأکید بر «خلق فضا»، «ظهور بخش خالی درونی» و حصول «فضای گرم و قابل زیست» است؛

۲. حرکت (چشمی و بدنی) که با «آزادی»، «تداوم درون - بیرون»، «تسلل»، «پویایی و زنده بودن»، «احساس عمق» و «مشاهده آزادانه» همراه است (فورتی ۲۰۰۰، ۲۵۷-۶۲). «گروتز» با استناد به نظریات «آتو فردریش بولنو^{۲۷}» فیلسوف آلمانی، تعادل در ارتباط درون و بیرون را ضروری می‌داند: «برای اینکه اساساً فضا به عنوان فضا شناخته شود، حداقل بخشی از این جدایی، ضرورت دارد. از سوی دیگر جدایی کامل نیز معمولاً درست نمی‌باشد» (گروتز ۱۳۸۶، ۲۵۱). او در تشریح رابطه توده - فضا نیز جهت‌گیری خاصی را دنبال نمی‌کند و معتقد به متغیر




و «دید» به عنوان ویژگی‌های پایه معماری تأکید نموده است (هرتزرگر ۲۰۰۸، ۸۰-۸۳). «فون مایس» نیز فضای معمارانه را عرصه چالش میان «مادی-فضایی بودن»، «درون-بیرون»، «پُر-خالی»، «کم‌عمق-ژرف»، «نهان-آشکار»، «درون‌گرا-برون‌گرا»، «سایه-نور» و «همجواری-نفوذپذیری» می‌داند. از نظر او معماری‌ای که تنها از بُعد بیرونی (فرمی) طراحی شود، بیشتر صحنه نمایش است؛ و محدود شدن بنا به خصوصیات غیرمادی و ناملموس باعث کمرنگ شدن ماهیت نمادین بنا می‌گردد (فون مایس ۱۳۸۴، ۱۰۵-۱۲۵). او همچنین در تشریح معیارهای زیبایی‌شناختی جاذبه^{۳۰} در آثار معماری (سبکی یا سنگینی فرمی)، نمونه‌های مختلفی را از کاربرد شیوه‌های دوگانه «صلبیت» و «بی‌وزنی» در معماری دوران کلاسیک، مدرن و سال‌های اخیر برمی‌شمارد و کیفیت‌های زیبایی‌شناختی برآمده از هر کدام را مورد تصدیق قرار می‌دهد (فون مایس^{۳۱} ۲۰۰۰، ۲۳۷-۳۹).

بودن آن بر اساس زمینه و دوره تاریخی است: در دوران نخست فضا محفظه‌ای بسیار تنگ است (غلبه کامل شاخص‌های محدودکننده و مادی)؛ در دوران میانی فضا محفظه‌ای میان تهی و مستقل از بیرون است (غلبه نسبی شاخص‌های محدودکننده و مادی) و دوران مدرن، عصر «انفجار محصوریت» و «فضای سیال» است (غلبه کامل شاخص‌های آزادکننده و ماده‌زدایانه). «هرتزرگر» فضای معماری را آن چیزی توصیف می‌کند که حسی از گستردگی را بدون تحت تأثیر قرار دادن آن سرشت درونی به وجود می‌آورد؛ بنابراین از نظر وی، میان «در بر گرفته شدن» و «گستردگی» در فضا باید توازن برقرار باشد. او دو مفهوم «فضا» و «آزادی» را معادل هم نمی‌داند و معتقد است آزادی، رهایی نامحدود و بی‌مهار است، ولی فضا دارای نظام و هدفمند است و تنها «حس آزادی» دارد (هرتزرگر ۲۰۰۰، ۱۲-۱۶). هرتزرگر در توصیف یک فضای یادگیری نیز به خوبی به مسئله حفظ تعادل میان حالت «تمرکز^{۲۸}» و «ارتباط^{۲۹}» و توازن میان «پوشش»

جدول ۲. دسته‌بندی دیدگاه‌های غربی در تشریح شاخص‌های دوگانه فضای معماری (مأخذ: نگارندگان)

نظریه پردازان	تفکر اصلی	استخراج خصوصیات فضایی	تجسم فضایی در کالبد واقعی
دیدگاه ۱ برونو زوی	غلبه خصوصیات آزادکننده فضای (فضای آزادشده)	آزادی فضای، ماده‌زادی، نمایش پیوسته حرکت و زمان، جریان سیال درون و بیرون، تداوم دید، غلبه کمی-کیفی بخش ناملموس بر بخش ملموس، غلبه خالی بر پر، مرکزگرایی، برون‌گرایی، بهره‌مندی حداکثری از نور و روشنی، پویایی و زنده بودن، احساس سبکی، احساس زیبایی و لذت انسان از فضا (هنر فضایی).	 خانه توکتهات، میس فان در روهه (مأخذ: www.archdaily.com)
دیدگاه ۲ رابرت ویتوری، کریستین نوربرگ-شولتز	غلبه خصوصیات محدودکننده فضای (فضای درونی شده)	سکون فضایی، بازگشت به خصوصیات نمادین و مادی، محدودیت و محصوریت، تمایز مشخص درون و بیرون، لایه‌های مبهم دید، غلبه حسی بخش مادی و ملموس، مرکزگرایی، درون‌گرایی، حس تاریکی و سایه، آرامش و ثبات فضایی، احساس سنگینی، احساس تعلق و وجود در فضا (هنر مکان).	 مجموعه تجاری فستیوال ناداتو آندو (مأخذ: دال کو ^{۳۲} ۱۹۹۵، ۱۶۰)



 <p>موزه کیمجل، لونی تان (مأخذ: www.miomoa.eu)</p>	<p>چالش و تعامل میان «حرکت-سکون»، «آزادی-محدودیت»، «ارتباط-محصورت»، «بیرون-درون»، «فضا-توده»، «خالی-پر»، «مرکزگرایی-مرکزگریزی»، «برونگرایی-درونگرایی»، «روشنی-تاریکی»، «یوبایی-آرامش»، «سبکی-سنگینی»، «احساس تعلق-ذلت فضای».</p>	<p>- تعادل یا چالش - خصوصیات دوگانه فضایی - عدم جهت‌گیری در تشریح شاخص‌ها</p>	<p>دیدگاه ۳ زیگفرید کیدیون، آدریان فورتی، یورگ کورت گروتز، هرمن هرتزبرگر، فون مایس</p>
	<p>چالش و تعامل میان «حرکت-سکون»، «آزادی-محدودیت»، «ارتباط-محصورت»، «بیرون-درون»، «فضا-توده»، «خالی-پر»، «مرکزگرایی-مرکزگریزی»، «برونگرایی-درونگرایی»، «روشنی-تاریکی»، «یوبایی-آرامش»، «سبکی-سنگینی»، «احساس تعلق-ذلت فضای».</p>	<p>- تعادل یا چالش - خصوصیات دوگانه فضایی - عدم جهت‌گیری در تشریح شاخص‌ها</p>	<p>دیدگاه ۳ زیگفرید کیدیون، آدریان فورتی، یورگ کورت گروتز، هرمن هرتزبرگر، فون مایس</p>

۲-۳. بررسی شاخص‌های فضا در دیدگاه ایرانی-اسلامی

در میان نظرات مختلف، بررسی دیدگاه‌های «داریوش شایگان» و «سید حسین نصر» برای ارائه تصویری اولیه از فضای هنر و معماری ایرانی-اسلامی بسیار راه‌گشاست. «شایگان»، کیفیت خیالی و تخیل خلاق را اصلی‌ترین خصلت می‌داند که در تمام هنرها از جمله مینیاتور، قالی و معماری ایرانی جلوه‌گر شده است (۱۳۷۸، ۱۱۶-۱۱۷). او غیاب فضای سه‌بعدی در مینیاتور را به دلیل خلق همان فضای کیفی خیالی می‌داند که با چندگانگی و چندنواپی همراه است. در این فضا، سطوح نامتجانس با حالات عاطفی متفاوت بر هم منطبق شده و فضایی متحرک و خیال‌انگیز می‌آفریند که هم مرکز است، هم محیط؛ هم درون، و هم بیرون؛ نوسان دائمی میان کیفیات متضاد و دیالکتیک فضایی (شایگان ۱۳۸۳، ۸۲-۸۷). این نوسان در مفهوم «حیاء^{۳۳}» و حریم نیز دیده می‌شود که وجهی رازآمیز را در کلیه شؤون زندگی و هنر رقم می‌زند (شایگان ۱۳۷۸). او مهم‌ترین ویژگی فضاهای شهری ایرانی را مرکزیت یافتن فضاهای خالی می‌داند که در آن، آدمی با عبور از یک فضای بسته به فضای بسته دیگر، در جو جادویی هاله غوطه می‌خورد و حالات روحی مختلف را تجربه می‌کند (شایگان ۱۳۷۲، ۱۴۷-۱۴۹). «نصر» نیز اهمیت ویژه‌ای برای فضا قائل است و آن را مهم‌ترین عنصر سازنده کلیت معماری می‌داند (۱۳۶۸، ۷۷). او اهمیت معنوی «خلاء» در هنرهای اسلامی را یکی از نتایج اصل متافیزیکی «توحید» و همچون سمبلی از حضور خداوند در تمام چیزها قلمداد می‌کند. نصر در تشریح رابطه خلاء و ماده معتقد است با آنکه در هنرهای اسلامی بر تزلزل صفات مادی تأکید شده، ولی برای وجودیافتن هنر، هر دو جنبه مثبت و منفی از نقش متعادلی برخوردار شده‌اند (نصر ۱۹۸۷، ۱۸۵-۱۸۶). در میان صاحب‌نظران معماری ایرانی-اسلامی، تحلیل شش دیدگاه

مبنای تدوین مدل نهایی پژوهش قرار گرفت: نادر اردلان؛ او حضور جنبه‌های متضاد چون ظاهر-باطن، ماده-روح و نیز دو مقام بیرونی و درونی^{۳۴} را مورد تأکید قرار داده (اردلان ۱۳۵۳، ۳۴؛ ۱۳۷۹، ۵ و ۱۱؛ اردلان ۲۰۱۶^{۳۵}) و «تحدیدکنندگی» را به عنوان اولین شاخص در ایجاد حس مکان‌بخشی می‌شناساند^{۳۶} (اردلان ۱۳۷۹، ۱۱-۱۵). اما در تضاد با آن، ویژگی‌های دیگر چون غلبه خلاء بر ملاء، نظام‌های فضایی مثبت و پیوسته و «ریتم» که موجب انتظام بخشی به حرکت مخاطب می‌گردد، در معماری اسلامی-ایرانی تأیید می‌شوند (اردلان ۱۳۵۳، ۴۷؛ ۱۳۷۹، ۱۵-۱۸). اردلان در نهایت با مطرح نمودن اصل وحدت، حاصل معماری سنتی ایران را یک معماری درونگرا و باطنی می‌داند که در آن فضا همچون روح در ماده دمیده شده و سلسله‌ای از فضاهای درونی‌شده و مرکزگرا را به وجود می‌آورد. - داراب دیبا: دیدگاه او تا حدودی با توصیفات اردلان تطابق داشته و در آن به اصولی چون درونگرایی، مرکزیت، تداوم، شفافیت، محوربندی ویژه و غیره اشاره می‌شود (دیبا ۱۳۷۸ الف، ۳). اما تأکید اصلی دیبا بر «درونی بودن»، «به یکباره دیده نشدن» و «ابهام» در معماری ایرانی است. از نظر او در جهان‌بینی ایرانی، ارزش واقعی به جوهر باطنی بنا داده شده که با حفظ این جوهر درونی، فضاهایی مناسب تمرکز و تعمق خلق می‌گردد (دیبا ۱۳۷۸ ب، ۹۷-۱۰۲). ویژگی مرکزیت نیز در راستای تقویت درونگرایی، موجب وحدت تمام گونه‌گونی‌ها در یک فضای مرکزی می‌شود. مفهوم شفافیت نیز در نظر دیبا با تلقی مدرن آن (عریان‌سازی مادی) بسیار متفاوت بوده و در آن بیشتر بر سلسله‌مراتبی بودن و لایه‌لایه شدن فضا، و نیز دید و حرکت پیوسته برای دریافت یک حس باطنی تأکید شده است. - عبدالحمید نقره‌کار: «نقره‌کار» معنای لغوی فضا را به «تهی» نزدیک‌تر می‌داند (۱۳۸۹، ۱۶۴؛ ۱۳۹۳، ۲۶۷) اما





(حائری ۱۳۸۸، ۱۳۹). مهم‌ترین اصل معماری ایرانی در نظر او، حضور سه گونه فضایی «باز»، «بسته» و «پوشیده» است که «تحرک در عین ثبات»، «ترکیب در عین استقلال» و «حریم در عین ارتباط» را فراهم می‌آورد (حائری ۱۳۷۴، ۱۳۸۸؛ حائری مازندرانی ۱۳۸۷). به واسطه فضاهای بینابینی، احساس محدودیت به آزادی پیوند خورده و موجب تعدیل در تضاد دوگانه فضایی می‌گردد.

– سید هادی میرمیران: دیدگاه او نسبت به سایر نظریه‌پردازان اندکی متفاوت است. مهم‌ترین ویژگی فضایی معماری ایرانی از نظر میرمیران «شفافیت» است و او آن را متأثر از اصل مهم هستی‌شناختی، یعنی حرکت دائم هستی از یک کیفیت مادی به حالت روحی می‌داند (میرمیران ۱۳۷۴، ۲۸). ویژگی‌های آزادکننده چون «گشایش»، «تعلیق» و «سیلان» فضایی، برآمده از اصل شفافیت هستند و از طریق توسعه عناصر فضامند، مانند ایوان‌ها و حیاط‌های مرکزی، موجب از بین رفتن مرز قاطع درون و برون می‌شوند (میرمیران ۱۳۷۷، ۹۴-۹۶). همچنین «نور» از نظر میرمیران متعالی‌ترین جنبه فضایی است که با شفافیت بسیار قرین شده است؛ عالی‌ترین نمونه کاربرد آن را می‌توان در معماری پس از اسلام و بناهای «دوران قاجار» مشاهده نمود که در آن، گشایش‌ها، ارتباطات بصری- حرکتی و پیوند درون و بیرون به اوج می‌رسد (میرمیران ۱۳۷۷، ۹۸؛ ۱۳۷۹، ۵۴-۵۶).

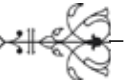
با بررسی دیدگاه‌های مرتبط با فضا در معماری ایرانی-اسلامی به وضوح روشن می‌شود که در اغلب آن‌ها از توجه یک‌سویه بر بخشی از ویژگی‌های فضایی پرهیز شده؛ و همواره بر نقش و حضور همزمان شاخص‌های دوگانه تأکید گردیده است. این مسئله، مهم‌ترین وجه تمایز فضایی معماری سنتی ایران با معماری دوران مدرن یا پیش از آن (دوران میانه، کلاسیک و باستان) به شمار می‌رود که در آن‌ها به صورت یک‌جانبه‌ای، ویژگی‌های «ماده‌گرایانه و محدودکننده» و یا «ماده‌زدایانه و آزادکننده» به تنهایی مورد توجه قرار گرفته است. این مشخصه بارز در بررسی جلوه‌های فضایی «مسجد شیخ لطف الله» اصفهان که شاهکار معماری اسلامی ایران محسوب می‌شود، به صورت آشکاری به چشم می‌خورد و فضای درونی آن صحنه‌ی چالش همزمان میان شاخص‌های

از دیدگاه معمارانه معتقد است این تهی‌خالص، بی‌معنا بوده و حضور عناصر مادی و تعریف‌کننده فضا نیز ضروری است (نقره‌کار، حمزه‌نژاد، و رنجبر کرمانی ۱۳۸۷). تأکید بر دوگانه‌های فضا، از طریق مطرح کردن ساحت‌های دوگانه آفاقی و انفسی مورد توجه قرار می‌گیرد. از نظر وی فضای آفاقی با جنبه‌های مادی و حرکت کالبدی، و فضای انفسی با جنبه‌های درونی، قطبیت، تمرکز و خلوت انسان همراه است (نقره‌کار ۱۳۸۹، ۱۷۸-۱۷۹). او در نهایت با تأکید بر دیدگاه «حکمت اسلامی»، سیر آفاقی را مقدمه‌ای برای سیر انفسی دانسته و مسیر کلی معماری اسلامی را از ظاهر به باطن و از کثرت به وحدت برای حصول تمرکز، آرامش و حریم معین می‌کند.

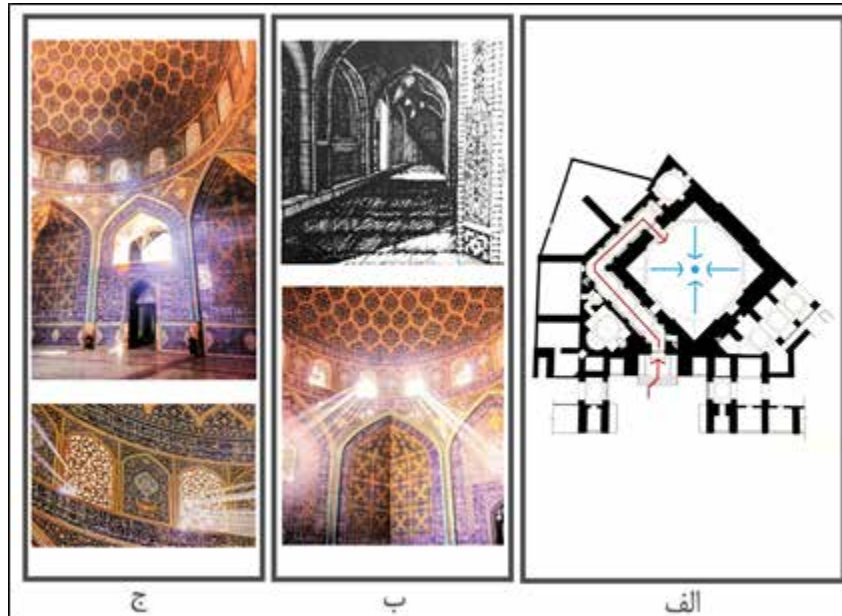
– کامران افشارنادری: گسست رابطه ملموس معماری با زندگی و وابستگی معماران به طراحی انتزاعی، اصلی‌ترین دلایل افشارنادری در پرداختن به فضا است که پایگاه آن در معماری ایرانی نیز دیده می‌شود (افشارنادری ۱۳۷۸، ۴). مهم‌ترین مفاهیم فضا از نظر او، «حرکت»، «نور» و «خلاقیت» است که به ترتیب، به دلیل افزودن بعد چهارم به فضا، شکل دادن کاراکتر اصلی آن، و نیز جلوه دادن اصلی‌ترین وجه زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد (افشارنادری ۱۳۷۸، ۵؛ ۱۳۷۷، ۷). او علاوه بر این ویژگی‌ها، اصل مهم هم‌نشینی اعداد در معماری ایرانی را نیز مطرح می‌سازد و معتقد است که در آن از اعتقاد به مفهوم فضایی واحد پرهیز می‌شود (نوسان میان دوگانه‌ها). مهم‌ترین نتیجه فضایی این اصل، ایجاد تضاد شدید میان درون و برون و ظهور مرزهای مشخص در معماری اسلامی و ایرانی است که در نهایت منجر به خلق معماری مخفی، کنترل‌شده، ایمن، درونگرا و درونی‌شده می‌گردد (افشارنادری ۱۳۷۴، ۶۸-۷۱).

– محمدرضا حائری: از نظر وی فضا چیزی قابل درک‌تر از خود معماری است (حائری ۱۳۷۴، ۳۷)؛ و دو فعل عمده در شکل‌گیری ماهیت آن نقش اساسی دارد: «محبوس شدن» و «آزاد کردن». او حادث شدن فضا را از طریق محدودشدن آن می‌داند اما معتقد است معماری باید از طریق بسط مداوم به آزادی دست یابد. در معماری ایرانی نیز به مدد گشایش‌ها و پذیرفتن نور، فضا دائماً از سکون به پویایی می‌انجامد





دوگانه‌ای چون «حرکت- سکون»، «روشنی- تاریکی» و «کیفیات مادی- غیرمادی» است (تصویر ۲). در جدول ۳ دیدگاه‌های غالب در تحلیل شاخص‌های فضا در هنر و معماری ایرانی- اسلامی مورد دسته‌بندی قرار گرفته است.



تصویر ۲. نقش و حضور همزمان شاخص‌های دوگانه فضا در معماری مسجد شیخ لطف الله

الف) جلوه «حرکت- سکون» در دالان ورودی و گنبدخانه؛ ب) نمود «تاریکی- روشنی» در دالان و گنبدخانه؛ ج) توجه همزمان به «کیفیات مادی» تزئینات و نقش‌مایه‌های متنوع در بدنه‌ها) و «کیفیات غیرمادی» (انبساط و گشایش عظیم در زیر گنبد و تأکید بر خلأ). (مأخذ: الف: حاجی قاسمی ۱۳۹۴، ۱۱۸ رسم مجدد از نگارندگان؛ ب: بالا: اردلان و بختیار ۱۳۷۹، ۱۲۳/ پایین: حاجی قاسمی ۱۳۹۴، ۱۲۲؛ ج: حاجی قاسمی ۱۳۹۴، ۱۱۸ و ۱۲۲)

جدول ۳. تحلیل شاخص‌های فضا در دیدگاه ایرانی- اسلامی؛ (مأخذ: نگارندگان)

دیدگاه‌ها	صاحب‌نظران	جمع‌بندی و تفکیک دیدگاه‌ها	مدل برداشتها از شاخص‌های دوگانه فضایی
هنر ایرانی- اسلامی	- داریوش شایگان - سیدحسین نصر	- ظهور کیفیت خیالی و رازآمیز از طریق نوسان دائمی میان کیفیات متضاد و خلق مفاهیم دوگانه و متعادل همچون «حیاء». - تعادل میان وجوه مادی و غیرملموس (تهی) در هنر برای دستیابی به دو هدف عمده: وجود یافتن هنر، و جلوه خداوند.	
معماری ایرانی- اسلامی	- نادر اردلان - داراب دبیا - عبدالحمید نقره‌کار - کامران افشارنادری	الف) اذعان به نقش و حضور همزمان جنبه‌های متضاد فضایی (خلأ- مآذ، بیرون- درون، حرکت- سکون، آفاقی- انفسی، و ...) و در عین حال گرایش و جهت‌گیری نهایی به سمت خصوصیات باطنی، درونی و محدودکننده.	مدل الف: حضور همزمان شاخص‌های دوگانه فضایی و غلبه شاخص‌های «محدودکننده- درونی» و گرایش به آن





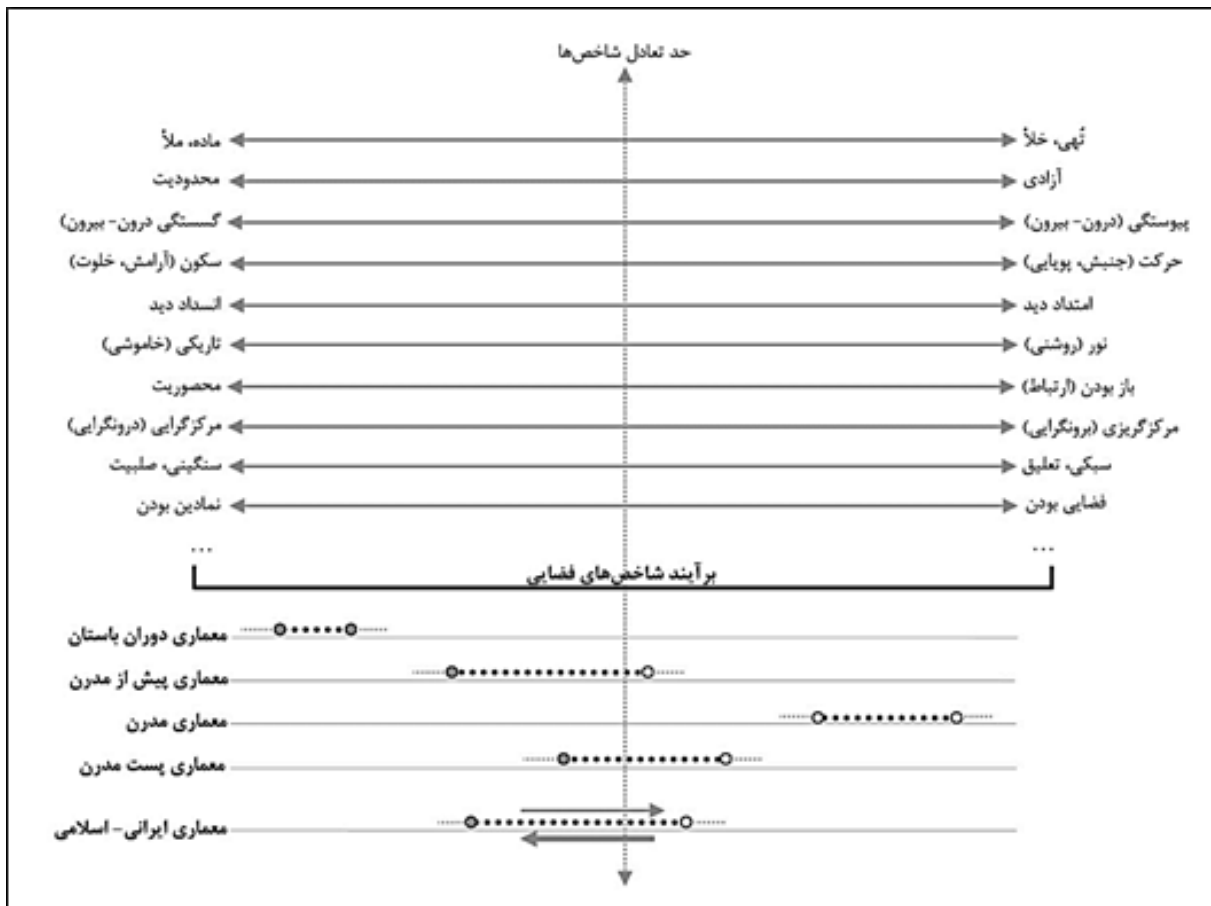
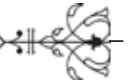
	<p>ب) اذعان به نقش و حضور همزمان جنبه‌های متضاد فضایی و عدم جهت‌گیری و گرایش مشخص: تعادل، ابهام یا نوسان در خصوصیات دوگانه فضایی.</p>	<p>- محمدرضا حائری - سیده‌های میرمیران</p>
<p>مدل ب: حضور همزمان شاخص‌های دوگانه فضایی و عدم گرایش و جهت‌گیری معین (تعادل، ابهام یا نوسان میان شاخص‌ها)</p>		

نیرومندی برخوردار بوده است. بنابراین در معماری ایرانی ضمن حضور همزمان این دوگانه‌ها، گاهی تعادل، ابهام و نوسان میان این شاخص‌ها مشاهده می‌شود؛ و گاه نیز جهت‌گیری کلی به سمت خصوصیات محدودکننده و مادی انجام می‌پذیرد. بر اساس جمع‌بندی انجام شده از دیدگاه‌های غربی و ایرانی، می‌توان مدل جامعی برای ارزیابی کلی اندیشه فضایی دوره‌ها، سبک‌ها و آثار معماری - بر مبنای شاخص‌های دوگانه - متصور بود که نحوه ظهور ویژگی‌های فضایی و گرایش خاص در آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. تدوین مدل نهایی شاخص‌های دوگانه فضای معماری

فضای معمارانه در بستر غربی و ایرانی - اسلامی آن مسیرهای متفاوتی پیموده ولی صورت نهایی آن همواره از چالش میان شاخص‌های دوگانه به وجود آمده است. این دوگانه‌ها در پایه‌ای‌ترین وجه خود رابطه‌ای بوده است میان «ماده و تهی»، «درون و بیرون» و «محدودیت و آزادی»؛ و از بسط آن‌ها روابط جدیدی چون «سکون - حرکت»، «انسداد - امتداد دید»، «محصوریت - گشایش»، «تاریکی - روشنی»، «مرکزگرایی - مرکزگریزی» و غیره خلق می‌شود که صورت نهایی فضا را شکل می‌دهد (توجه همزمان به ویژگی‌های کالبدی و حضور انسان در فضا). فضا به عنوان یک مفهوم مدرن، به سه صورت عمده در معماری غرب ظهور نموده است. در شکل نخست، با غلبه کامل یا نسبی خصوصیات محدودکننده و مادی (دوران باستان، کلاسیک و میانه)؛ در صورت دوم با غلبه کامل خصوصیات آزادکننده و غیرمادی (دوران مدرن)؛ و در صورت سوم نیز با تعادل نسبی میان دوگانه‌ها خلق شده است (دوران پست مدرن). در معماری ایرانی - اسلامی این روابط به صورت نسبتاً پیچیده‌تری ظاهر شده است. علت آن را شاید بتوان در دو مسئله جستجو نمود. عامل نخست، حضور ثابت و مرکزیت فضای خالی در آثار معماری سنتی ایران است؛ که برخلاف معماری غربی، از همان دوران آغازین بوده و سیر تکاملی کاملاً متفاوتی با غرب داشته است (ایجاد تعادل در خصوصیات محدودکننده و مادی). عامل دوم اهمیت همزمان خصوصیات نمادین و مادی در این معماری است؛ که هم‌پا با شاخص‌های دیگر، از جلوه





نمودار ۳. مدل کیفی سنجش شاخص‌های فضای معماری؛ بر اساس این مدل «طیفی» اندیشه فضایی حاکم بر دوره‌ها، سبک‌ها و یا آثار معماری، بر مبنای نحوه گرایش کلی آن‌ها به شاخص‌های دوگانه، مورد سنجش و مقایسه قرار می‌گیرد. در نمودار بالا، نحوه ظهور شاخص‌های دوگانه فضا و جهت‌گیری آن‌ها در چهار مقطع شاخص از معماری غرب و نیز معماری ایرانی- اسلامی در یک «بازه محدودی» نشان داده شده است. بر اساس این مقایسه محدودی، می‌توان تفاوت‌ها و شباهت‌های معماری غربی و ایرانی- اسلامی را از منظر شاخص‌های دوگانه فضایی مورد تحلیل قرار داد. (مأخذ: نگارندگان)

۵. نتیجه‌گیری

زمینه شاخص‌ها، دارای ویژگی‌های دوگانه‌ای است که از این طریق امکان بررسی جوانب مختلف آن فراهم می‌آید. تحولات تاریخی فضای معماری غرب نیز گواهی دیگر بر حضور ثابت این دوگانگی است و نشان می‌دهد فضا بر خلاف برداشت‌های یک‌سویه‌ی مدرنیستی، صحنه چالش میان خصوصیات دوگانه بوده است. ظهور این خلأهای اساسی در تعریف یک‌جانبه و

بر اساس یافته‌های حاصل از بخش‌های مختلف پژوهش، می‌توان این موارد را استنتاج نمود:

- تحلیل مقوله فضا از سه منظر لغوی، فلسفی و معمارانه نشان داد این مفهوم علی‌رغم پیچیدگی در تعاریف که امکان ارائه تصویری روشن از ماهیت چندلایه آن را دشوار می‌سازد؛ در





ضعیف). اما در اواخر مدرنیسم و نیز دوران پست‌مدرن، به تدریج روابط پیچیده‌تری میان دو گانه‌ها حاکم شده و با ظهور متعادل یا مبهم شاخص‌ها در آن، فضا با صورتی کاملاً دو وجهی خلق شده است (دوگانگی قوی).

بررسی رابطه شاخص‌های دو گانه بر اساس دیدگاه‌های مختلف در هنر و معماری ایرانی-اسلامی، نشان‌دهنده وجه‌راز آمیز، مبهم، نوسانی و گاه متعادل در ظهور ویژگی‌های فضا است و از این نظر شباهت‌هایی با تفکر فضایی غالب در دوران پست‌مدرن مشاهده می‌شود. در عین حال، با تطبیق دوره‌های مختلف معماری ایرانی-اسلامی با دوره‌های غربی می‌توان به تفاوت‌های آشکار در نحوه ظهور شاخص‌های دو گانه فضا پی برد. شاخص‌های مادی و محدودکننده در معماری ایرانی، به اندازه معماری پیش از مدرن در غرب ظاهر نگردیده؛ و در مقابل، از نظر توجه بر بخش خالی و گرایش به «آزادی»، «نور» و «حرکت» (شاخص‌های آزادکننده و غیرمادی) پیشروتر عمل شده است. در مجموع می‌توان گفت معماری سنتی ایران در جهت پاسخ‌گویی به تمام ابعاد معنوی، زیبایی‌شناختی و عملکردی، بستری را فراهم آورده است که در آن تمام عوامل دو گانه فضا چون ماده-خالی، سکون-حرکت، تاریکی-نور، انسداد-امتداد دید، گسستگی-پیوستگی درون و بیرون، و غیره به صورت همزمان حضوری پررنگ داشته‌اند. این شاخص‌ها در موارد متعدد به صورت متعادل و هماهنگ با یکدیگر ظاهر شده‌اند؛ و گاه نیز با جلوه پررنگ‌تر عوامل مادی چون نقوش، رنگ و تزئینات و تشدید ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی همچون محرمیت، خلوت و محصوریت، گرایش کلی فضا به سمت خصوصیات نمادین و درونی انجام گرفته است.

مدرنیستی از فضای معمارانه-که تأکید اصلی آن بر جنبه‌های «ناملموس» و «آزادکننده» معماری بوده است-سبب گردید تا شناخت دقیق ویژگی‌های آن تنها با رجوع به دو گانه‌های اساسی خلق فضا-«تهی و ماده»، «بیرون و درون» و «آزادی و محدودیت»-امکان‌پذیر گردد؛ بنابراین برای دستیابی به مدل جامع برای ارزیابی شاخص‌های فضا که از بسط و توسعه این دو گانه‌ها حاصل می‌گردید؛ دیدگاه نظریه‌پردازان غربی فضای معمارانه و نیز اندیشه فضایی حاکم بر معماری ایرانی-اسلامی مورد تحلیل دقیق‌تر قرار گرفت و در نهایت شاخص‌های دو گانه‌ای که به طور مستقیم با مفاهیم فضایی مرتبط بودند؛ استخراج گردید. همچنین در دسته‌بندی و استخراج شاخص‌ها تا حد امکان سعی شد از ذکر مفاهیم چندلایه فضایی (همچون سلسله‌مراتب، شفافیت، ریتم و غیره) که به نوعی برآمده از این شاخص‌های پایه بودند و مفاهیم مختلفی در بر داشتند؛ و نیز ویژگی‌های کلی معمارانه (همچون هندسه، تناسبات، و غیره) پرهیز گردد.

مدل طیفی به دست آمده، در بردارنده مجموعی از شاخص‌های دو گانه و اساسی فضای معماری است که دو سمت مخالف یک محور را تشکیل می‌دهند و حد تعادل نیز در میانه آن تعریف شده است. بررسی کلی شاخص‌ها در دوره‌های معماری غرب نشان می‌دهد وضعیت این دو گانه‌ها در دوران مدرن و پیش از آن، از شکل معین و واضحی برخوردار بوده است و در یک سیر تاریخی به تدریج از شدت خصوصیات نمادین، ماده‌گرایانه و محدودکننده کاسته شده و بر شدت خصوصیات ماده‌زداپانه و آزادکننده، افزوده شده است. تفاوت شاخص‌های متضاد نیز در این دوران کاملاً مشهود و چهره فضا به راحتی قابل شناخت بوده است (دوگانگی

پی‌نوشت

۱. Sauchelli

۲. Forty Adrian

۳. Nasr

۴. Zevi

۵. Herman Hertzberger

۶. ر.ک. نورمحمدی، سوسن. ۱۳۹۰. جایگاه انسان در تحول معنای فضا در قرن نوزدهم و بیستم. ص ۵۳؛ معظمی، منوچهر. ۱۳۹۰. تلقی استاد از فضا و تأثیر آن در آموزش معماری. هنرهای زیبا (۴۸)؛ مستغنی، علیرضا. ۱۳۸۴. بازاندیشی انگاره فضا در معماری، روایت فضا. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

۷. Patricios

۸. The Oxford English Dictionary





۹. در زبان آلمانی واژه «فضا» (raum) مشابه کلمه «اتاق» است. «پیتر کالینز» درک آلمانی از مفهوم معمارانه فضا (Raumgestaltung) را حاصل فراست و زیرکی این مردم و نیز ساختار زبانی آن‌ها می‌داند که چنین برداشتی از فضا را در پی داشته است (کالینز ۱۳۷۵، ۳۵۷).
۱۰. Timaios
۱۱. Xaos
۱۲. Topos
۱۳. Leibniz
۱۴. Martin Heidegger
۱۵. Dematerialization
۱۶. Exposure
۱۷. سه بینش فضایی مد نظر گیدیون عبارت بودند از: ۱- معماری به مثابه احجام با فضای پیرامونی ۲- معماری به مثابه فضای داخلی؛ ۳- معماری به مثابه احجام و فضای داخلی (گیدیون ۱۹۷۳). در این دسته‌بندی می‌توان به خوبی نحوه تکامل اندیشه‌های فضایی را مشاهده نمود.
۱۸. Giedion
۱۹. Venturi
۲۰. Scott Brown
۲۱. Izenour
۲۲. جملات و عباراتی همچون: «خاصیت پایه‌ای مکان‌های انسان-ساخت، تمرکز و محصوریت است. آن‌ها به تمام معنا درونی هستند» (نوربرگ-شولتز ۱۳۸۸، ۲۳)؛ «بدیهی است که در درون بودن، یعنی در جایی دور از آنچه که بیرون است قرار داشتن، هدف اولیه مفهوم مکان است» (نوربرگ-شولتز ۱۳۹۳، ۳۰)؛ «تمرکز نماد تعلق به مکان محسوب می‌شود» (۳۲)؛ «محصور کردن می‌تواند به عنوان نخستین تلاش واقعی بشر برای تسلط بر محیط تلقی شود» (۵۳)؛ «ویژگی ذاتی معماری، داشتن مرز واضح است که حفاظت فیزیکی و روانی را بر عهده دارد» (۵۷)؛ «خصلت بنیادی و بی‌زمان نیاز بشر به مرکز» (۶۰)؛ «فضای داخلی [خانه] در درجه اول مکانی محصور است» (۱۰۷).
۲۳. «برای اینکه خانه به یک زندان بدل نشود؛ باید گشودگی‌هایی به جهان بیرون داشته باشد تا دنیای درون را به عالم بیرون مرتبط سازد» (بولنوو ۱۹۶۰؛ نقل در نوربرگ-شولتز ۱۳۹۳، ۳۱)؛ «حرکت طولی مبین نوعی گشودگی به عالم است» (نوربرگ-شولتز ۱۳۹۳، ۳۲).
۲۴. پایه‌گذار بحث محصوریت در فضای معماری «گوتفرید سمپر»، معمار و منتقد هنری آلمانی است که ایده‌های آن بعدها توسط افرادی چون «آدولف لوس»، «اچ. پی. برلاگ»، «پیتر بهرنس» در مقیاس معماری و «کامیلو سیت» در مقیاس شهری دنبال شد.
۲۵. Bodily Sensation
۲۶. به طور کلی این اندیشه در ارتباط با فلسفه زیبایی‌شناختی «کانت» و «نیچه»؛ و نیز بسط و توسعه نظریه «همدلی» توسط «رابرت ویشر» و «آگوست اشمارسو» شکل گرفته است.
۲۷. Otto Friedrich Bollnow
۲۸. Concentration
۲۹. Connectedness
۳۰. Aesthetics of Gravity The
۳۱. von Meiss
۳۲. Dal Co
۳۳. در تشریح مفهوم «حیاء» و «حریم» با مضمونی دوگانه روبرو می‌شویم که جمع اعداد نیز تلقی می‌شود: «حیاء احساسی آمیخته با راز است. حیاء می‌پوشاند و می‌گشاید، از نمایش می‌پرهیزد، ولی ضمن مستوری باز می‌نمایاند (شایگان ۱۳۷۸، ۲۸۹).
۳۴. «رومی ما را متوجه این جهان‌بینی ماورائی و سنتی در فرهنگ اسلامی می‌سازد که واقعیت دو بعد ساختاری دارد، بعد درونی و بعد بیرونی. در دیدگاه معمارانه، باغ بهشتی محصور در دیوارها و حیاط، بیان نمادینی از این دوگانگی است» (اردلان ۲۰۱۶، ۲۲۸).
۳۵. Ardalan
۳۶. در توصیفات اردلان از این جنبه‌های متضاد که بر مبنای کیهان‌شناسی اسلامی و تعبیرات ماورائی انسان سنتی از زندگی صورت پذیرفته، جهت حرکت کلی همواره به سمت جنبه‌های باطنی، روحی و درونی بیان شده است (اردلان ۱۳۵۳، ۱۳۷۹؛ اردلان ۲۰۱۶).

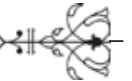




منابع

۱. اردلان، نادر. ۱۳۵۳. آفریدن نو. هنر و معماری (۲۵-۲۶): ۳۳-۳۸.
۲. اردلان، نادر و لاله بختیار. ۱۳۷۹. حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: خاک.
۳. ارسطو. ۱۳۷۸. سماع طبیعی (فیزیک). ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.
۴. افشارنادری، کامران. ۱۳۷۴. همنشینی اعداد در معماری ایرانی. آبادی (۱۹): ۶۸-۷۵.
۵. افشارنادری، کامران. ۱۳۷۷. فضای معماری و فضای زندگی. معمار (۲): ۵-۷.
۶. افشارنادری، کامران. ۱۳۷۸. از فرم تا فضا. معمار (۵): ۴-۷.
۷. افلاطون. ۱۳۸۰. دوره آثار افلاطون، ج. ۳. ترجمه محمدحسن لطفی، و رضا کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۸. آرنه‌ایم، رودلف. ۱۳۹۲. پویه‌شناسی صور معماری: نیروهای ادراک بصری در معماری. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۹. پرتوی، پروین. ۱۳۸۷. پدیدارشناسی مکان. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. حاجی قاسمی، کامبیز. ۱۳۹۴. گنجنامه: فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر دوم: مساجد اصفهان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۷. خانه، فرهنگ، طبیعت، بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۲. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۷۴. معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب‌نظر. آبادی (۱۹): ۳۴-۴۰.
۱۳. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. نقش فضا در معماری ایران، هفت گفتار درباره زبان و توان معماری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۴. حیدری، شاهین. ۱۳۹۴. درآمدی بر روش تحقیق در معماری. تهران: کتاب فکر نو.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا (۱۶ جلدی). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. دیبا، داراب. ۱۳۷۸ الف. حصول زبانی برای معماری امروز ایران. معماری و شهرسازی (۵۰-۵۱): ۲۶-۳۵.
۱۷. دیبا، داراب. ۱۳۷۸ ب. الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران. معماری و فرهنگ (۱): ۹۷-۱۱۱.
۱۸. زوی، برونو. ۱۳۸۷. چگونه به معماری بنگریم. ترجمه فریده گرمان. تهران: شهیدی.
۱۹. شایگان، داریوش. ۱۳۷۲. «در جستجوی فضاهای گمشده». نامه فرهنگ (۹): ۱۴۰-۱۴۹.
۲۰. شایگان، داریوش. ۱۳۷۸. آسیا در برابر غرب. تهران: امیرکبیر.
۲۱. شایگان، داریوش. ۱۳۸۳. بت‌های ذهنی و خاطره‌آزلی. تهران: امیرکبیر.
۲۲. فلاحت، محمدصادق، و صمد شهیدی. ۱۳۹۴. نقش مفهوم توده- فضا در تبیین مکان معماری. باغ نظر (۳۵): ۲۷-۳۸.
۲۳. فون مایس، پیر. ۱۳۸۴. عناصر معماری: از صورت تا مکان. ترجمه فرزین فردانش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
۲۴. کالینز، پیتر. ۱۳۷۵. تاریخ تئوری معماری، دگرگونی آرمان‌ها در معماری مدرن. ترجمه حسین حسن‌پور. تهران: قطره.
۲۵. گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۸۴. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
۲۶. گروت، یورگ کورت. ۱۳۸۶. زیبایی‌شناسی در معماری. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
۲۷. گیدین، زیگفرد. ۱۳۹۱. فضا، زمان، و معماری: رشد یک سنت جدید. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. مدنی‌پور، علی. ۱۳۷۹. طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۹. مستغنی، علیرضا. ۱۳۸۴. بازنمایی انگاره فضا در معماری، روایت فضا. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.
۳۰. معین، محمد. ۱۳۸۱. فرهنگ فارسی (دوجلدی). گردآوری شده توسط عزیزالله علیزاده. تهران: ادنا، کتاب راه نو.
۳۱. میرمیران، سیدهادی. ۱۳۷۴. معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب‌نظر. آبادی (۱۹): ۲۸-۳۰.
۳۲. میرمیران، سیدهادی. ۱۳۷۷. سیری از ماده به روح. معماری و شهرسازی (۴۲-۴۳): ۹۴-۱۰۰.
۳۳. میرمیران، سیدهادی. ۱۳۷۹. مدرسه شهید مطهری (سپهسالار) نگاهی به معماری دوره قاجار: شکوفایی فضا و افول ساخت و پرداخت. معمار (۸): ۵۴-۵۷.





۳۴. نصر، سیدحسین. ۱۳۶۸. سنت اسلامی در معماری ایرانی. ترجمه سیدمحمد آوینی. *سوره اندیشه* ۱ (۱): ۷۵-۷۹.
۳۵. نقره‌کار، عبدالحمید، مهدی حمزه‌نژاد، و علی‌محمد رنجبر کرمانی. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۳۶. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. *مبانی نظری معماری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
۳۷. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۳. *برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری*. تهران: کتاب فکر نو.
۳۸. نوربرگ- شولتز، کریستین. ۱۳۸۸. *روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری*. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: رخداد نو.
۳۹. نوربرگ- شولتز، کریستین. ۱۳۸۹. *معنا در معماری غرب*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۴۰. نوربرگ- شولتز، کریستین. ۱۳۹۳. *وجود، فضا و معماری*. ترجمه ویدا نوروز برازجانی. تهران: پرهام‌نقش.
۴۱. وتوری، رابرت. ۱۳۸۹. *پیچیدگی و تضاد در معماری*. ترجمه علیرضا میرترابی، و محمدرضا منوچهری. تهران: سمیرا.
۴۲. https://www.archdaily.com/157555/ad-classics-villa-tugendhat-mies-van-der-rohe?ad_medium=gallery (دسترسی در ۱۳۹۶/۱۲/۲۷).
۴۳. https://www.mimoo.eu/images/6066_1.jpg (دسترسی در ۱۳۹۶/۱۲/۲۷).

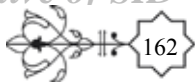
References

1. Afshar Naderi, Kamran. 1995. Companionship of Opposites in Persian Architecture. *Abadi (19)*: 68-75.
2. Afshar Naderi, Kamran. 1998. Architectural Space and Living Space. *Memar (2)*: 5-7.
3. Afshar Naderi, Kamran. 1999. From Form to Space. *Memar (5)*: 4-7.
4. Ardalan, Nader. 1974. The New Creation. *Honar va Memari (25- 26)*: 33-38.
5. Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2000. *The Sense of Unity*. Translated by Hamid Shahrokh. Esfahan: Khak.
6. Ardalan, Nader. 2016. *From Within: On the Spiritual in Art and Architecture*. In *Architecture, Culture, and Spirituality*, ed. Thomas Barrie, Julio Bermudez, and Phillip James Tabb, 221-238. New York, NY: Routledge.
7. Aristotle. 1999. *Natural Sense (Physics)*. Translated by Mohammad Hassan Lotfi. Tehran: Tarh-e No.
8. Arnheim, Rudolf. 2013. *The Dynamics of Architectural Form: The Forces of Visual Perception in Architecture*. Translated by Mehrdad Ghayoumi Bidhendi. Tehran: SAMT.
9. Collins, Peter. 1996. *The History of Architectural Theory: Changing Ideals in Modern Architecture*. Translated by Hossein Hassanpour. Tehran: Ghatreh.
10. Dal Co, Francesco. 1995. *Tadao Ando Complete Works*. London: Phaidon Press Limited.
11. Dehkhoda, Ali Akbar. 1998. *Dehkhoda Dictionary (16 Vol. Set)*. Tehran: Institute of Publications and Printing of Tehran University.
12. Diba, Darab. 1999a. Achieving a Language for Today's Architecture of Iran. *Memari va Shahrsazi (50-51)*: 26- 35.
13. Diba, Darab. 1999b. Inspiration and Comprehension by the Fundamentals of Iranian Architecture. *Memari va Farhang (1)*: 97-111.
14. Falahat, Mohammad Sadegh, and Samad Shahidi. 2015. The Role of Mass- Space Concept in Explaining the Architectural Place. *Bagh-e Nazar (35)*: 27-38.
15. Forty, Adrian. 2000. *Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture*. New York: Thames & Hudson Inc.
16. Giedion, Sigfried. 1971. *Architecture and the Phenomena of Transition: The Three Conceptions in Architecture*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
17. Giedion, Sigfried. 2012. *Space, Time, and Architecture: The Growth of a New Tradition*. Translated by Manouchehr Mozayeni. Tehran: Elmi va Farhangi Publications.
18. Groat, Linda, and David Wang. 2005. *Architectural Research Method*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran, Institute of Publication and Printing.
19. Grütter, Jörg Kurt. 2007. *Aesthetics in Architecture*. Translated by Jahanshah Pakzad, and Abdolreza Homayoun. Tehran: Shahid Beheshti University, Printing and Publication Center.
20. Haeri Mazandarani, Mohammad Reza. 1995. Persian Architecture in the Words of Four Generations of Prominent Architects. *Abadi (19)*: 34-40.
21. Haeri Mazandarani, Mohammad Reza. 2008. *House, Culture, Nature, Architectural Study of Historical and Contemporary Houses in Order to Develop the Process and Criteria of House Design*. Tehran: Research Center on Urbanism and Architecture.
22. Haeri Mazandarani, Mohammad Reza. 2009. *The place of Space in Iranian Architecture, Seven Articles on Language and Potentials of Architecture*. Tehran: Cultural Research Bureau.
23. Haji Ghasemi, Kambiz. 2015. *Ganjnameh, Cyclopedia of Iranian Islamic Architecture. Vol. 2: Isfahan Mosques*. Tehran:



- Shahid Beheshti University.
24. Heidari, Shahin. 2015. *An Introduction to Architectural Research Method*. Tehran: Ketab-e Fekr-e No.
 25. Heidegger, Martin. 2001. *Poetry, Language, Thought*. Translated and Introduction by Albert Hofstadter. New York: Harper Perennial Modern Classics.
 26. Hertzberger, Herman. 2000. *Space and the Architect: Lessons in Architecture 2*. Rotterdam: 010 Publishers.
 27. Hertzberger, Herman. 2008. *Space and Learning: Lessons in Architecture 3*. Rotterdam: 010 Publishers.
 28. Madanipour, Ali. 2000. *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process*. Translated by Farhad Mortzaei. Tehran: Urban Processing and Planning Co.
 29. Mirmiran, Seyyed Hadi. 1995. Persian Architecture in the Words of Four Generations of Prominent Architects. *Abadi (19)*: 28-30.
 30. Mirmiran, Seyyed Hadi. 1998. A Movement from Matter to Soul. *Memari va Shahrsazi (42-43)*: 94-100.
 31. Mirmiran, Seyyed Hadi. 2000. Shahid Motahhrari (Sepahsalar) School, a Look at the Architecture of Qajar Period: Flourishing of Space and the Decline of Construction and Articulation. *Memar (8)*: 54-57.
 32. Moein, Mohammad. 2002. *Farsi Dictionary (2 Vol. Set)*. Collector: Azizollah Alizadeh. Tehran: Adena: Ketab-e Rah-e No.
 33. Mostaghni, Alireza. 2005. *Rethinking of the Concept of Space in Architecture, Narrative of Space*. PhD Thesis, Shahid Beheshti University, Faculty of Architecture and Urbanism.
 34. Nasr, Seyyed Hossein. 1987. *Islamic Art and Spirituality*. Albany, NY: State University of New York Press.
 35. Nasr, Seyyed Hossein. 1989. Islamic Tradition in Persian Architecture. Translated by Seyyed Mohammad Avini. *Soore Andisheh 1 (1)*: 75-79.
 36. Nogherekar, Abdolhamid, Mehdi Hamzehnejad, and Ali Mohammad Ranjbar Kermani. 2008. *An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Tarh va Nashr-e Payam-e Sima Co.
 37. Nogherekar, Abdolhamid. 2010. *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Payame Noor University.
 38. Nogherekar, Abdolhamid. 2014. *An Impression of Islamic Wisdom in Art and Architecture*. Tehran: Ketab-e Fekr-e No.
 39. Norberg-Schulz, Christian. 2009. *Genius Loci: Toward a Phenomenology of Architecture*. Translated by Mohammad Reza Shirazi. Tehran: Rokhdad-e No.
 40. Norberg-Schulz, Christian. 2010. *Meaning in Western Architecture*. Translated by Mehrdad Ghayoumi Bidhendi. Tehran: Institute for Writing, Translating and Publishing of Art Works MATN.
 41. Norberg-Schulz, Christian. 2014. *Existence, Space and Architecture*. Translated by Vida Norooz Borazjani. Tehran: Parham Naghs.
 42. Partovi, Parvin. 2008. *The Phenomenology of Place*. Tehran: Islamic Republic of Iran's Academy of Art.
 43. Patricios, N. N. 1973. *Concepts of Space in Urban Design, Architecture and Art*. *Leonardo 6 (4)*: 311-318. doi: 10.2307/1572847.
 44. Plato. 2001. *The Review of Plato's Works. Vol. 3*. Translated by Mohammad Hassan Lotfi, and Reza Kaviani. Tehran: Kharazmi Publishing Co.
 45. Sauchelli, Andrea. 2012. On Architecture as a Spatial Art. *The Nordic Journal of Aesthetics 23 (43)*: 53-64. doi: <http://dx.doi.org/10.7146/nja.v23i43.7497>.
 46. Shayegan, Dariush. 1993. In Search of Lost Spaces. *Name-ye Farhang (9)*: 140-149.
 47. Shayegan, Dariush. 1999. *Asia Against the West*. Tehran: Amir Kabir.
 48. Shayegan, Dariush. 2004. *Mental Idols and Eternal Memory*. Tehran: Amir Kabir.
 49. The Oxford English Dictionary. 1989. Edited by: John Simpson, and Edmund Weiner, 2nd Edition. Wotton-under-Edge: Clarendon Press.
 50. Venturi, Robert, Denise Scott Brown, and Steven Izenour. 1977. *Learning from Las Vegas: The Forgotten Symbolism of Architectural Form*. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
 51. Venturi, Robert. 2010. *Complexity and Contradiction in Architecture*. Translated by Alireza Mirtorabi, and Mohammad Reza Manouchehri. Tehran: Samira.
 52. von Meiss, Pierre. 2000. *The Aesthetics of Gravity*. *arq: Architectural Research Quarterly 4 (3)*: 237-245. doi: 10.1017/S1359135500000269.
 53. von Meiss, Pierre. 2005. *Elements of Architecture: From Form to Place*. Translated by Farzin Fardanesh. Tehran: Shahid Beheshti University, Printing and Publication Center.
 54. Zevi, Bruno. 1978. *The Modern Language of Architecture*. Canberra: Australian National University Press.
 55. Zevi, Bruno. 2008. *How to Look at Architecture*. Translated by Farideh Garman. Tehran: Shahidi.
 56. https://www.archdaily.com/157555/ad-classics-villa-tugendhat-mies-van-der-rohe?ad_medium=gallery (accessed March 18, 2018).
 57. https://www.mimoo.eu/images/6066_1.jpg (accessed March 18, 2018).





Conceptual Model for Evaluation of Architectural Space Indicators Based on the Comparison of Western and Iranian-Islamic Viewpoints

Sajad Soleymanzadeh *

Ph.D. Candidate in Architecture, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farah Habib **

Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Iraj Etessam ***

Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 17/12/2018

Accepted: 12/03/2019

Abstract

Space as an essential and integral concept of architecture has always included different meanings and understandings, and this reduced its original meaning to general architectural features. In addition, because this concept was created in the modern period, architects' general understanding of its indicators has unilaterally been led to the concepts such as void, freedom and movement. Therefore, there has not been any true and comprehensive understanding to evaluate the indicators directly related to this concept. On the other hand, in Iranian-Islamic Architecture, space as the main element making form of the buildings has been considered much more than the material aspects, but due to the lack of a specific framework for explaining its physical indicators or modern sense of space, it has not properly been analyzed. The main purpose of this paper was to identify the principal indicators related to the concept of space and examine the relations, and this was achieved through purposeful analysis of basic definitions, Western viewpoints of architectural space, and perspectives of Iranian-Islamic architectural space. The paradigm of this study was qualitative and the methodology was based on documentary and library researches. In order to achieve a conceptual framework for analyzing the essential indicators of space in architectural works they were distinguished from general features and other concepts through analyzing and comparing of important perspectives and organizing existing structure in recognition of space. Finally, based on this model, the overall status of the indicators of space in Iranian-Islamic architecture and important periods of Western architecture were compared. An examination of architectural space indicators based on Western theories revealed three types of viewpoints: 1- According to this view, architecture was considered as the "Art of Space" which has been on the path of historical evolution, and always conformed to "dematerialization" (reducing the effect of the masses) and increasing the role of empty spaces. Clearly, on this view, the indicators were emphasized those which conformed to "total freedom of space", "exposure", "permanent expansion", and "maximum relation". 2- This thinking was almost the opposite of the first point of view. The theorists criticized the unlimited freedom of the space and looked for defining the new intricate and meaningful structures. It could be said that this view, influenced by phenomenological approaches, conformed to promote the concept of space to "place", caused to the sense of

* sajad.soleymanzadeh@gmail.com

** frh_habib@yahoo.com

*** i.etessam@srbiau.ac.ir

habitation and settlement, and emphasized the “internalization” and “preservation” as the main characteristics of the space. 3- In this view, the relative balance among the dual indicators of architectural space and their challenges were emphasized. Accordingly, fundamental characteristics of the architectural space in different periods were identified with no specific direction to one side of dual indicators. In fact, the balance between the inside and the outside was necessary. It meant that in order for space to be essentially recognized as real space, at least a part of this separation was needed. On the other hand, the complete separation was not usually correct too. The enclosure and protection of the inner space and the continuity between the inside and the outside both were inherently necessary and appeared differently depending on the period of each architectural work and its context.

Iranian-Islamic views on the space were investigated both in art and architecture. In Iranian-Islamic art theories, two facts were revealed: 1- The emergence of imaginary and mysterious quality through the constant fluctuation between opposing characteristic and creation of dual concepts such as “Hayaa” (modesty). 2- The balance between material and immaterial aspects in art to achieve two main goals: the existence of art and a trace or an echo of God. By reviewing the opinions of some experts in Iranian-Islamic architecture, such as Nader Ardalan, Darab Diba, Seyyed Hadi Mirmiran, Mohammad Reza Haeri, etc., it became clear that the dual indicators of space appeared in two different ways: In the first case, there was simultaneous presence of opposing dualities, such as void-mass, inside-outside, movement-stagnation, continuity-obstruction of vision, etc., and at the same time, the tendency to internal and limiting indicators. In the second, there was simultaneous presence of opposing dualities and the lack of inclination to one side: balance, ambiguity or fluctuation in dual indicators. The results of numerous analyzes indicated that, despite of intricate and extensive theories of architectural space and approaches derived from, they revealed certain forms of relations between the dual indicators in a “spectral” framework. These indicators both at the basic level (fundamental indicators) and at the final model (extension of basic indicators) showed different tendencies, including the overcoming of liberating characteristics, overcoming of limiting characteristics, and the balance or fluctuation between the dualities. In a general comparison, it could be said that the indicators of the space in Iranian-Islamic architecture appeared balanced, vague, or mysterious, which had some similarities with spatial concepts prevailed in Postmodern architecture; and they were completely distinct from those of other periods of Western architecture.

Keywords: Architectural Space, Indicators of Space, Western Theorists of Space, Iranian-Islamic Architecture Experts.

